

خویشاوندی

اهل بیت و صحابه رضی اللہ عنہم

ترجمة كتاب: (الأسماء والمصاهرات بين أهل البيت والصحابة رضی اللہ عنہم)

نوشتہ:

ابو معاذ

سید بن أحمد بن إبراهيم إسماعيلي

ترجمہ:

اسحاق بن عبدالله العوضي

چاپ اول ۱۴۲۹/۱۳۸۷ھ

شناسنامه کتاب

خویشاوندی آل بیت و صحابه <small>رضی اللہ عنہم</small> (الأسماء والمصاهرات بین آل البيت والصحابة)	نام کتاب:
سید أحمد بن إبراهيم إسماعیلی	نویسنده:
إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی	مترجم:
دار الآل والصحب	ناشر:
۳۰.۰۰۰	تیراژ:
۱۳۸۷ھ ش برابر با شوال ۱۴۲۹ھ ق	سال چاپ:
اول	نوبت چاپ:
En_Haghighat@yahoo.com	آدرس ایمیل:
www.aqeedeh.com	
www.ahlesonnat.net	
www.isl.org.uk	
www.islamtape.com	
	سایتهاى مفید:

فهرست مطالب

ص	عنوان	م
۵	پیشگفتاری از کتاب «رحماء بینهم»	۱
۳۰	اهداء	۲
۳۲	مقدمه مؤلف	۳
۳۸	اسم‌هایی از اهل بیت علوی و هاشمی که به نام‌های اصحاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> نامگذاری شده‌اند	۴
۳۸	کسانی که به اسم ابوبکر <small>رضی الله عنه</small> نامگذاری شده‌اند	۵
۴۰	کسانی که به نام عمر <small>رضی الله عنه</small> نامگذاری شده‌اند	۶
۴۲	کسانی که به نام عثمان <small>رضی الله عنه</small> نامگذاری شده‌اند	۷
۴۳	کسانی که به نام عائشه <small>رضی الله عنها</small> نامگذاری شده‌اند	۸
۴۵	کسانی که به نام طلحه <small>رضی الله عنه</small> نامگذاری شده‌اند	۹
۴۵	کسانی که به نام معاویه <small>رضی الله عنه</small> ، دایی مؤمنان نامگذاری شده‌اند	۱۰
۴۶	ازدواج‌های بین اهل بیت و صحابه <small>رضی الله عنهم</small>	۱۱
۴۶	ازدواج‌های اهل بیت و خانواده ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small>	۱۲
۴۸	ازدواج‌های بین اهل بیت و آل زبیر	۱۳

٥١	ازدواج‌های بین اهل بیت و آل خطاب از فرزندان عدی	١٤
٥٢	ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی تیم	١٥
٥٣	ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی امیه	١٦
٦٠	آیا بعد از این همه مراجع سخن دیگری وجود دارد؟!	١٧
٦١	ازدواج‌های بین اهل بیت علوی و پسر عموهایشان از اهل بیت عباسی	١٨
٦٣	ملحق اول: اسمهای مادران امامان	١٩
٦٨	ملحق دوم: راهنمای اسمهای پسران و دختران اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	٢٠
٧٠	ملحق سوم: جدول ازدواج‌های امامان	٢١

برای ارتباط با مترجم می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمزا البریدی: (١١٧٥٧). ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com

yad631@yahoo.com

aqeedeh@hotmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتاری از کتاب «رحماء بینهم»

نامگذاری

اسم، اشاره به مسمی یا صاحب اسم است، و این علامت ویژه‌ای است که او را از دیگران متمایز می‌کند، و مردم همواره این اصل را پذیرفته‌اند و به آن عمل می‌کنند. هیچ عاقلی نیست که در اهمیت اسم تردید داشته باشد، زیرا با همین نشان بارز است که کودک از سایر برادران و کودکان دیگر باز شناخته می‌شود و رفته رفته بوسیله آن در خانواده و جامعه معروف و مشهور می‌گردد تا اینکه سرانجام انسان فنا می‌شود اما اسمش (با ویژگیهای خوب یا بد آن) باقی می‌ماند.

اسم از «سُمُو» یعنی بلندی یا از «وَسْم» به معنی نشان و علامت گرفته شده است، همه این امور دلالت بر اهمیت اسم برای کودک می‌کند، و این اهمیت را به هیچ عنوان نمی‌توان نادیده گرفت. از بازرترین ویژگیهای اسم این است که دلالت بر عقل و مکتب اعتقادی شخص می‌کند، به طور مثال دشوار و شاید ناممکن است که شما شنیده باشید یهود و نصاری فرزندانشان را (محمد صلی الله علیه و آله) بنامند! یا اینکه مسلمانان فرزندانشان را لات و عزی یا فرعون و

هامان و ابوجهل و ابولهب بنامند! بنابراین رابطه فرزند با پدرش به وسیله اسم برقرار می‌گردد، و پدر و سایر اعضای خانواده فرزندشان را با اسم بلکه با اسمی که دوست دارند و می‌پسندند صدا می‌زنند، بنابر این اسم تک تک افراد خانواده در میان آنان و سایر خویشاوندان بسیار تکرار می‌گردد، و از قدیم گفته‌اند: (مِنْ إِسْمِكَ أَعْرِفُ أَبَاكَ) از روی اسمت شخصیت پدرت را می‌شناسم.

اهمیت اسم در اسلام

برای شناخت و تشخیص این اهمیت همین کافی است بدانیم که شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به اسم اهمیت فوق العاده ای قائل شده است، لذا رسول محبوب صلی الله علیه و آله و سلم اسم بعضی صحابه را اعم از زن و مرد عوض کردند، بلکه حتی اسم شهرشان را از یثرب به مدینه تبدیل کردند، کما اینکه آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مانع از نامگذاری بعضی اسمها شدند. لذا فرمودند: «إِنَّ أَخْنَعَ اسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ رَجُلٌ تَسْمِي بِمَلِكِ الْأَمْلاكِ». پست‌ترین اسم در نزد خداوند کسی است که خودش را ملک الملوک یا شاهنشاه بنامد.

همچنین رسول گرامیمان صلی الله علیه و آله و سلم به بعضی أسماء مانند عبدالله و عبدالرحمن و غیره که در آن اشاره به مقام بندگی برای خداوند است ترغیب فرمودند: «أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ».

«محبوبترین نامها در نزد خداوند عبدالله و عبدالرحمن است».

چنانکه از سیرت رسول گرامی مان صلی الله علیه و آله معلوم می شود ایشان از اسم خوب خوششان می آمد و آنرا به فال نیک می گرفتند. از نظر علمای علم اصول و ادبیات عرب، اسمها از خودشان مفاهیم و معانی دقیق و حساب شده ای دارند، تفصیل این موضوع را در کتب اصول فقه و ادبیات عرب ملاحظه می فرمائید، و علماء در زمینه مسائل گوناگونی که از آن گرفته می شود بحث کرده اند.

یک پرسش عقلانی

خواننده عزیز! سراسیمه نشو و پیشاپیش تعجب نکن؟ با من ادامه بده، لطفاً به این پرسشها پاسخ بده.

فرزندت را چه می نامی؟ آیا اسمی را برایش می پسندی که از دید شما و همسر و خانواده ات معنی و دلالت روشن و دلکش و دوست داشتنی دارد، یا اینکه هر چه پیش آمد خوش آمد؟! حتی اگر اسم دشمنانت باشد؟! سبحان الله، واقعاً شگفت انگیز است، ما امروز در این عصر جهالت و غفلت از دین، برای فرزندانمان اسم معنی دار و دلکش و جذاب و با شخصیت انتخاب می کنیم، اما حاضر نیستیم این اصل را در مورد بهترین انسانهای روی زمین که در عصر طلایی زندگی می کردند بپذیریم، و می گوئیم نه! آنها به دلائل سیاسی و

اجتماعی مجبور شدند اسم دشمنانشان را بر روی فرزندانشان بگذارند، بدون اینکه احساس و عاطفه شان، آنانرا راهنمایی کند!

قضاوت با شما

عجیب است که سروران امت و عاقلترین انسانها، و صاحبان عزت و افتخار و شجاعت که علاوه بر شجره طیبه (نسب شریف)، شخصیت‌های آنان نیز همچون نور می‌درخشد، از ابتدائی‌ترین معانی انسانیت محروم نگه داشته می‌شوند! تا جائیکه به آنان اجازه داده نمی‌شود که فرزندانشان را به نامهای پسندیده و محبوب‌شان نامگذاری کنند، بلکه مجبور می‌شوند نام دشمنانشان را بر روی فرزندانشان بگذارند، آیا این باور کردنی است؟

شایان ذکر است که این نامگذاری تنها برای یک فرد نبود بلکه اهل بیت مجموعه‌ای از فرزندانشان را با این نامها افتخار بخشیدند، و این نامگذاری پس از سپری شدن و فراموش کردن دشمنی نبوده بلکه به ادعای آنان در اوج دشمنی بوده است که ما می‌گوئیم خیر بلکه در اوج محبت بوده، زیرا دشمنی‌ای در کار نبوده است، این مساله مهم و قابل توجهی است که باید آنرا دقیق مطالعه کرد، و روی آن حساب نمود، زیرا که در آن دلالت‌های فراوانی است و در آن رد بر تمام آن داستانهای خیالی و افسانه‌های مسموم و اوهام و

خرافات است که دل‌های صاف مسلمین را مکدر و صف محکم آنان را متفرق کرده است، این حقیقت به قدری روشن و قابل فهم است که هر انسان عاقل و بی‌غرضی براحتی می‌تواند آنرا درک کند، و هر انسان با شعوری که احساس و عاطفه اش نمرده باشد خیلی ساده می‌تواند آنرا بفهمد، و ناممکن است که انسان‌های عاقل و آزاده بپذیرند که برآستی این نامگذاری نمایشی بوده باشد، و نه امکان رد و تأویل آن وجود دارد.

نتیجه گیری

لذا در پایان بن بست با خط درشت نوشته است، عشق و محبت و احترام صحابه و اهل بیت نسبت به یکدیگر چنان در رگ و خون آنان عجین شده بود که بوی عطر صفا و صمیمیت آن تا امروز نیز مشام جهانیان را عطر آگین می‌کند، اما بیمارانی که حس بویایی‌شان کار نمی‌کند و همواره دچار زکام و سرما خوردگی هستند؛ از استشمام این نعمت بزرگ محرومند و شاید هم مدعی شوند که بوی گند به مشامشان می‌رسد، راست می‌گویند؛ چون مریضند، اگر سالم بودند تشخیص می‌دادند که ادعای بوی گند دروغ است؛ جهان عطر آگین است ولی آنها مانند کوری هستند که عصاکش آنان دیگرانند و خدا نکند که خودِ عصاکش هم کور باشد!

و اینک اصل مطلب

علی علیه السلام از فرط محبتش با خلفای ثلاثه ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم سه تا از فرزندانش را با نام گرامی آنان نامگذاری می‌کند. ابوبکر (ع) ابن علی بن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین - علیه وعلی آباءه الصلاة والسلام - در صحنه کربلا به شهادت می‌رسد. عمر (ع) ابن علی بن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین (ع) در حماسه کربلا شرکت می‌کند و پس از جهاد و مبارزه، زنده با امام زین العابدین به مدینه بر می‌گردد. و نسلش ادامه پیدا می‌کند. عثمان (ع) ابن علی بن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین (ع) در کربلا به شهادت می‌رسد. امام حسن مجتبی علیه السلام نیز سه تا از فرزندانش را ابوبکر (ع) و عمر (ع) و طلحه (ع) نام می‌گذارد که با عمویشان در کربلا به شهادت می‌رسند. امام حسین علیه السلام نیز فرزندش را عمر (ع) نام می‌گذارد. امام زین العابدین علیه السلام یک دخترش را عایشه رضی الله عنها و یک پسرش را عمر (ع) نام می‌گذارد، که نسل عمر بن زین العابدین ادامه پیدا می‌کند.

همچنین بقیه اهل بیت از نسل عباس ابن عبدالمطلب و نسل جعفر بن ابی طالب و مسلم بن عقیل و دیگران، که در اینجا ما در صدد درج تمام این اسمها نیستیم بلکه مقصود فقط ذکر نمونه‌هایی است که مطلب مورد نظر را روشن کند.

مناقشه

بعضی شیعیان منکر این حقیقت هستند که علی و فرزندان علیهم السلام فرزندان خودشان را به این نامها نامگذاری کرده اند. البته اینها فقط کسانی هستند که یا اطلاع ندارند چون مطالعه نمی کنند و با کتابها سروکاری ندارند، و یا اینکه تجاهل عارفانه می کنند و قصداً از روی ضد و عناد این حقایق روشن را انکار می کنند.

خوشبختانه بسیاری از ائمه و علمای بزرگ تشیع اینگونه جهالت مقصود یا غیر مقصود را رد کرده اند، زیرا دلائل وجود این نامهای مبارک قطعی و یقینی است، چون نسلهای آنان ادامه دارد و بلکه خود کتب تشیع که جریان حادثه کربلا را نقل می کنند گواهی می دهند که ابوبکر بن علی بن ابی طالب و ابوبکر بن حسن بن علی و عمر بن علی و عثمان بن علی علیهم السلام در کنار امام حسین به شهادت رسیدند. آری اینها شهدای صحنه کربلا هستند، این امر را خود برادران شیعه در کتابهایشان آورده اند، شاید شما پرسید پس چرا در حسینیه ها از این قبیل شهداء اسمی برده نمی شود و در دسته های عزاداری کسی نام آنها را نمی برد؟! طبیعی است باید هم پرسید، اما پاسخ اینگونه پرسشها را ما نباید بدهیم، از کسانی پرسید که بیشتر از ما ادعای حب اهل بیت دارند، که برآستی چرا از این قهرمانان اهل بیت هیچ خبری نیست در حالیکه عمر بن علی بن ابی طالب و

عمر بن حسن بن علی از شجاع‌ترین و حماسه‌آفرین‌ترین مردان آن صحنه تاریخی بودند.

خلاصه اینکه مسأله نامگذرای ائمه اهل بیت علیهم السلام فرزندانشان را به نامهای افتخار انگیز ابوبکر و عمر و عثمان و عائشه و طلحه و زبیر و معاویه و دیگر بزرگان صحابه رضی الله عنهم یکی از مسائل مهمی است که در قاموس تشیع نوین هیچ پاسخی برای آن نمی‌توان یافت. ناممکن است اگر بگوئیم آنها بدون در نظر داشتن معنی و دلالت این اسمها فرزندانشان را به این نامهای گرامی و فخرآفرین نامیدند، هیچ عقل سلیمی باور نمی‌کند، و این را هم نمی‌توان گفت که این یک دسیسه و سازش حساب شده از طرف اهل سنت است که از قدیم‌الایام در کتب تشیع دست برده‌اند، و این‌گونه مطالب را در آنها گنجانیده‌اند! زیرا معنی این گفته طعن و تشکیک در تمام روایات و کتب تشیع است. بنابراین هر روایتی که شیعیان از آن خوششان نیامد بگویند این دسیسه و سازش از سوی اهل سنت است! در این صورت هر کس هر روایتی که موافق میلش نبود می‌تواند به همین سادگی رد کند و بگوید این توطئه است! به ویژه آنکه در مکتب تشیع هر مجتهد زنده‌ای خیلی راحت می‌تواند هر روایتی که خواست رد کند و آنرا نپذیرد چون خودش مجتهد است و هیچ قانون و ضابطه‌ای هم وجود ندارد که او را باز دارد.

چه کسی باور می‌کند؟

از چیزهای بسیار خنده‌آور این است که مقصود از نامگذاری به نامهای صحابه بزرگ سب و توهین و لعن و نفرین آنان بوده است، کما اینکه فرموده‌اند! هدف از نامگذاری به اسمهای این چهره‌های تاریخ ساز، بدست آوردن دل عامه (اهل سنت) بوده است، یعنی امامان اسم فرزندانشان را به اسم دشمنانشان گذاشته‌اند تا اینکه اینها را توهین کنند و در نهایت دشمنانشان مورد اهانت قرار گیرند و یا اینکه مردم تصور کنند که امام، خلفاء را دوست دارد. یعنی اینکه تقیه کرده است. به به!!!

چه شخصیتی از امام می‌سازیم!، امام یعنی کسیکه هر کارش بر خلاف اعتقاداتش است! تا اینکه یاران خودش و سایر مردم را بفریبد و به آنها وانمود کند که دشمنانش را دوست می‌دارد، در حالیکه دشمن آنها است و از روی ترس چنین می‌کند!! چگونه امام تاریخ آینده و نسل‌های پس از خود را حیران و سردرگم می‌گذارد و نعوذ بالله با این حيله‌ها و ترفندها که با عزت و کرامت و شجاعت و اخلاق خاندان نبوت منافات دارد به خودش و خاندانش اهانت روا می‌دارد، چرا؟! فقط برای اینکه بنی تمیم یا بنی عدی یا بنی امیه را از خودش راضی نگهدارد، کسانی که با سیرت پاک ائمه علیهم السلام آشنایی دارند قطعا می‌دانند که ائمه از شجاع‌ترین مردم بودند بر خلاف

روایات جعلی و ساختگی‌ای که ائمه را مردانی بزدل و ترسو و دروغگو معرفی می‌کنند، که نه برای دینشان انتقام می‌گیرند، و نه آبرو برایشان مهم است، و نه عزت و کرامت برایشان معنایی دارد، و متأسفانه چقدر زیاد است از این دست روایت‌هایی که به نام دین به مردم قالب شده و مردم با چقدر اخلاص و پاک دلی آنها را پذیرفته‌اند.

نتیجه

کاری که ائمه (علی و فرزندان) - علیهم‌السلام - کرده‌اند از قوی‌ترین دلایل عقلی و روانی و حقیقی است که صدق محبت آل بیت علیهم‌السلام با خلفای راشدین رضی الله عنهم و سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌رساند، شما شخصاً این حقیقت را دارید مشاهده می‌کنید و اصلاً جای هیچگونه انکار و تردیدی وجود ندارد. و این واقعیت ارشاد پاک و منزّه خداوند را عینیت می‌بخشد که فرمود: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ (الفتح: ۲۹).

«محمد رسول خداست و کسانی که با اویند برکافران سخت‌گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی که

از خداوند فضل و خشنودی می جویند. نشانه درستی آنان از اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست».

خواننده عزیز! لطفاً آیه را دوباره با دقت تلاوت کنید و معانی آنرا تصور کنید و در صفت رحمت که در آیه کریمه آمده (رحماء بینهم) بیشتر بیندیشید، ببینید که به چه نتیجه‌ای می‌رسید.

اهمیت مصاهره یا وصلت کردن

خواننده گرامی! دوست داری فرزندت را، جگرگوشه‌ات را، پیوند قلبت را، دختر عزیزت را به چه کسی بدهی؟ آیا راضی می‌شوی که او را به خانه مردی فاسق و جنایت کار بلکه به خانه قاتل مادرش یا برادرش بفروستی؟ کلمه داماد برای شما چه معنی دارد؟ شما حاضرید چه کسی را به دامادی خود انتخاب کنید؟.

المصاهره در لغت از صاهر است، گفته می‌شود: (صَاهَرْتُ الْقَوْمَ إِذَا تَزَوَّجْتُ مِنْهُمْ)، وقتی دو خانواده جهت برقرار کردن روابط اجتماعی و پیوند زناشویی بین پسر و دختر یا زن و مرد با هم وصلت برقرار می‌کنند، این وصلت را در عربی مصاهره می‌گویند، صهر یعنی داماد ولی در عربی معنی گسترده‌تر از این دارد، صهر مرد یعنی خویشان زنش، و صهر زن یعنی خویشان شوهرش، خلاصه اینکه مصاهره در عربی به خویشان زن گفته می‌شود و گاهی به

خویشان مرد نیز گفته می‌شود، و خداوند این مصاهره را جزو نشانه‌های قدرت خودش قرار داده، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ۝۵۴﴾ (الفرقان: ۵۴). «او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است». در آیه کریمه دقت کنید که چگونه خداوند انسان را موجودی آفریده که با اطرافیان خودش از روی نسب و مصاهره رابطه داشته باشد و خانواده و اجتماع را تشکیل دهد. پس مصاهره رابطه شرعی است که خداوند آنرا در ردیف نسب ذکر کرده است، نسب به اقوام پدر نیز گفته می‌شود، بعضی علماء معتقدند که نسب مطلق قرابت و خویشاوندی است، پس وقتی می‌بینید که خداوند نسب و صهر را در ردیف هم ذکر کرده، بدانید که این امر بیانگر مطالب بسیار عمیقی است که نباید از آن غافل شد.

پیشینه مصاهره:

مصاهره از دیدگاه عربها از اهمیت ویژه ای برخوردار است، آنان به نسب افتخار می‌کنند کما اینکه به دامادها و موقعیت و منزلت آنان افتخار می‌کنند، لذا مشهور است که عربها کسی را که از خودشان

شان و منزلت کمتری داشته باشد به دامادی خود قبول نمی‌کنند، بلکه در نزد بسیاری از جوامع غیر عرب نیز وضعیت به همین منوال است، لذا اندیشه‌های ناسیونالیستی امروز یکی از دشوارترین و بغرنج‌ترین مشکلات اجتماعی غرب بشمار می‌رود.

بویژه عربها درباره زن غیرت و حساسیت بخصوصی دارند، همین امر باعث شده بود که دختران نوزاد و معصوم‌شان را زنده به گور کنند که مبادا کسی به آنان توهین کند، بر سر این موضوع، چه بسا جنگها در می‌گرفت و خونها می‌ریخت که آثار آن تا امروز نیز وجود دارد. گمان می‌کنم این اشاره‌های کوتاه جهت تفهیم و رساندن مطلب کافی است.

مصاهره در اسلام

وقتی اسلام آمد همه خوبیها و صفات حمیده را بر قرار داشت و از همه زشتیها نهی فرمود، خداوند متعال بیان نمود که معیار ارزشها فقط تقوی است ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَى﴾ (الحجرات: ۱۳). «گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شما است». این معیار، بخشی از دیدگاه شریعت است. کما اینکه فقهای بزرگوار موضوع «کُفء» یا کفایت (هم سطح بودن) در دین و نسب و حرفه و مباحث مختلفی که به آن تعلق می‌گیرد را مورد بحث قرار داده‌اند،

از جمله اینکه آیا کفایت (مساوی بودن زن و شوهر) از شروط صحت عقد است یا از شروط لزوم آن؟ و اینکه آیا این حق زن است یا اولیای امور او نیز در آن دخالت دارند؟ و مباحث دیگری که در باب نکاح مطرح می‌گردد.

شهید آبرو

و اما در مسئله صیانت و حفاظت عرض و آبرو و غیرت نسبت به زنان، رسول گرامی صلی الله علیه و آله کسی را که در دفاع از آبروی خودش کشته شود شهید گفته‌اند، بلکه جنگِ دفاع از آبرو و حیثیت را خود رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرماندهی کرده‌اند. داستان مشهوری که یهود بنی قینقاع با حیل، حجاب زن مسلمانی را از سرش کشیدند و بدینوسیله عهدشان را شکستند و با رسول الله صلی الله علیه و آله اعلان جنگ کردند، خیلی معروف است. جریان از این قرار بود که یک زن مسلمان وقتی می‌خواست از یک مرد یهودی طلا بخرد یهودی از او خواست که چهره‌اش را باز کند زن نپذیرفت. آن یهودی در حالیکه زن نشسته بود و بدون اینکه احساس کند گوشه چادرش را به چیزی بست که وقتی از جایش بلند شد صورتش لخت شد. زن فریاد کشید و کمک طلبید، جوان مسلمانی که در آن نزدیکی بود آمد و مرد یهودی را کشت، از آن سو هم یهودیها جمع شدند و جوان مسلمان را کشتند،

این داستان واقعی می‌رساند که حفاظت از ناموس چه نقش مهمی در جامعه اسلامی داشته و دارد؛ در پی همین جریان بود که رسول الله صلی الله علیه و آله بر اثر پیمان شکنی یهود بنی قینقاع با آنان به جنگ پرداختند. آری خواننده گرامی! علاوه بر آن بعضی احکام شرعی مثل اشتراط ولی در عقد نکاح و شاهد گرفتن در نکاح و بلکه حد قذف و حد زنا و دیگر احکامی که همگی بیانگر اهمیت عزت و آبرو و حیثیت انسان مسلمان است، نشان می‌دهد که شریعت چقدر به حفظ آبرو حساس است.

اگر در این احکام و در حکمت و فلسفه و پیامدهای آنها بیندیشید و دقت کنید اهمیت موضوع خود به خود برای شما آشکار می‌شود.

اهمیت خواستگاری

احکام زیادی بر مصاهره مترتب می‌شود، اصلاً در خود مشروعیت عقد نکاح (که قرآن از آن به میثاق غلیظ تعبیر فرموده) دقت کنید که مرد چگونه و با چه شرایط و آدابی از زنی خواستگاری می‌کند و چه احکام زیبا و پندآمیزی بر آن مترتب می‌شود؛ ممکن است خواستگاری او پذیرفته و ممکن است رد شود.

ببینید مرد خواستگار چگونه از خانواده و خویشان و آشنایانش جهت برقراری روابط رسمی و کسب موافقت خانواده عروس تلاش می‌کند، و خانواده عروس با چه دقتی بررسی می‌کنند، فکر می‌کنند، مشورت می‌کنند، درباره داماد تحقیق می‌کنند؟ و در نهایت هیچ الزامی هم ندارند، ممکن است موافقت کنند و یا با کمال اختیار و جرأت و شهامت مخالفت خودشان را اعلان می‌کنند، حتی اگر داماد هدایایی فرستاده باشد یا مقداری مهر مقدم پرداخته باشد یا هر احسان دیگری نیز به آنان کرده باشد، آنان مختارند هزار بار ببیندیشند که آیا شایسته است دست عزیز و جگر گوشه‌شان را به دست این مرد بدهند یا خیر؟ علاوه بر آن عقد باید شاهد و گواه داشته باشد، و نکاح باید اعلان شود؛ چرا؟ زیرا احکام و پیامدهای بسیار مهم و سرنوشت‌سازی بر آن مرتب می‌گردد. نکاح، دورها را نزدیک و بیگانه‌ها را با هم آشنا می‌کند و به مجرد اینکه عقد ازدواجشان بسته شود بسیاری زنان دیگر بر داماد و بسیاری مردان دیگر بر عروس حرام می‌گردند. این کتاب کوتاه ظرفیت تفصیل بیشتر را ندارد، فقط مقصود بیان اهمیت موضوع است و زمینه‌سازی جهت مطلبی که در پی خواهد آمد، بنابراین حالا شما به مطلب ذیل ببیندیشید و دقت کنید.

مبارک باد!

خواهر امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء، دختر فاطمه زهراء «ام کلثوم» علیها السلام را پدرش امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به ازدواج فاروق اعظم رضی الله عنه عمر بن خطاب رضی الله عنه در می آورد، آیا شایسته است بگوئیم که علی از ترس عمر این کار را کرد؟! پس شجاعتش کجا بود؟ دوستی و محبتش با دختر عزیزش کجا بود؟ آیا علی مرتضی دست دخترش را بدست ظالمی می سپارد؟ غیرتش درباره دین خدا کجا رفت؟ پرسشهای زیادی که پایان ندارد، یا اینکه به ناچار باید اعتراف کنیم که چون علی عمر را کاملاً می شناخت و به او اعتماد داشت، و با او الفت و محبت داشت لذا خواست بدینوسیله از شخصیت او تقدیر کند، آری بدون شک و تردید عمر با میل و رغبت خود علی و خانواده اش با دختر دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد و ازدواجشان کاملاً شرعی و صحیح و علنی و اختیاری بود. این خود می رساند که این دو خانواده چقدر یکدیگر را دوست می داشتند و به یکدیگر احترام می گذاشتند و جوئی سرشار از الفت و محبت در میان آنان حاکم بود، چرا چنین نباشد، درحالیکه خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داماد (شوهر دختر) عمر رضی الله عنه بود، بنابر این رابطه گرم اجتماعی بین خانواده رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خانواده عمر قبل از این ازدواج هم قائم بود.

امام جعفر صادق عليه السلام نوّه ابوبکر رضي الله عنه

نمونه دوم: فرموده امام جعفر صادق عليه السلام کافی است که فرمودند: (ولَدَنِي أَبُو بَكْرٍ مَرَّتَيْنِ) آیا می دانید مادر امام صادق کیست؟ «ام فروه» دختر قاسم ابن محمد بن ابی بکر صدیق رضي الله عنه. آیا دقت کرده اید که چرا امام صادق عليه السلام فرمودند ابوبکر و نگفتند محمد بن ابی بکر؟ آری این صراحت و بازگشت به جد بزرگوار خانواده صدیق رضي الله عنه بدلیل این بود که بعضی شیعه نمایان فضیلت ابوبکر صدیق را انکار می کردند، بر خلاف محمد پسر ابوبکر که شیعیان درباره فضل او متفقند، شما را به خدا فکر کنید و بیندیشید که انسان به چه کسی افتخار می کند؟!



خواننده گرامی! هر کس اندکی مطالعه و اطلاع داشته باشد،

روابط خویشاوندی نسبی بین صحابه رضوان الله علیهم اجمعین اعم از مهاجر و انصار را درک می کند، این روابط به قدری صمیمی و گسترده بود که حتی موالی و بردگان صحابه از اشراف و سادات قریش زن گرفتند: زید بن حارثه رضی الله عنه صحابی ای که نامش در قرآن کریم آمده همسرش کیست؟ زینب بنت جحش رضی الله عنها که بعدها افتخار ام المؤمنین را کسب نمود.

اسامه بن زید رضی الله عنه برده معروف که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه بنت قیس قریشی را به همسری او دادند. سالم مولای (برده) حذیفه رضی الله عنه که حذیفه دختر برادرش هند بنت الولید قریشی را به همسری او داد در حالیکه پدر وی از سرداران قریش بود. اگر از مصاهره در بین صحابه رضی الله عنهم سخن بگوئیم موضوع بسیار طولانی خواهد شد، لذا به ذکر همین چند نمونه از ازدواجهای صمیمانه بین اهل بیت و خلفای راشدین رضی الله عنهم اکتفا می کنیم. پس گفتیم که عمر فاروق رضی الله عنه با ام کلثوم دختر فاطمه زهراء دختر گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرده کما اینکه مادر امام جعفر صادق علیه السلام از هر دو طرف نوه ابوبکر صدیق رضی الله عنه است.

رهبری عقل

پس خواننده گرامی! چه بهتر که از وسوسه شیطان بر حذر باشیم، و جدی و عمیق بیندیشیم، ما مسلمانیم، و هر مسلمان مکلف است

که از عقل خودش کار بگیرد، چه بسیار است آیاتی که در قرآن کریم انسان را به تعقل و تفکر و تدبر فرا می خواند که اینجا جای تفصیل آن نیست لذا باید از عقل کار گرفت و دائره تفکر و اندیشه را گسترش داد و از تقلید کورکورانه پرهیز نمود. برای انسان عاقل و دانا که خداوند به او عقل سالم عنایت فرموده، زشت است که بدون تفکر و تعقل هر سخنی را پیش از تحقیق و سنجش بپذیرد، به ویژه در باب اعتقادات، که نباید اجازه دهیم سرنوشت دائمی و ابدی ما نسنجیده رقم بخورد، زندگی آخرت و اعتقاداتی که بر اساس آن مسیر سعادت یا شقاوت انسان تعیین می شود شوخی بردار نیست. پس خدایا از شر همه شیطانهای انس و جن به ذات شنوای دانا و حکیم و توانای تو پناه می جوئیم.

خواننده محترم! آیا شما راضی می شوید که پدران و پدر بزرگان شما دشنام داده شوند و به آنها اهانت گردد و گفته شود دختر شما را به زور و بر خلاف میل خانواده و فامیل و خویشاوندانش در حالیکه شما (یعنی پدرش) حاضر و زنده است به ازدواج گرفته اند؟ آیا شما این را برای خود می پسندید که به شما گفته شود « دختر شما یا ناموس شما به زور غصب شده است» پس وقتی برای شما حتی شنیدن این مسئله دشوار است و نمی توانید آنرا تحمل کنید، و چه بسا آنرا منافی عزت و غیرت خود می دانید، پس نسبت به

بهترین و پاکترین انسانهای روی زمین بعد از پیامبران علیهم السلام چگونه باید این چرندیات را شنید و تحمل کرد؟ این چه عقلی است که این گونه چرت و پرت‌ها را به نام دین و دانش و اسلام ناب و مکتب اهل بیت و روایات ائمه اطهار علیهم السلام می‌پذیرد؟! از خداوند می‌خواهیم که دل‌هایمان را از کینه و عداوت نسبت به مؤمنان پاک بدارد. پروردگارا! محبت همه بندگان صالح و نیکو کارت را در دل‌هایمان جای بده، و دل‌های خرابمان را با محبت واقعی اهل بیت آباد بگردان. آمین یا رب العالمین.

دلایل این ازدواج تاریخی

اینک قبل از مبحث سوم نصوص و روایاتی از کتب معتمد برادران تشیع و از علمای بسیار معتبر آنان را از نظر شما می‌گذرانیم که در آنها اثبات ازدواج عمر فاروق با ام کلثوم دختر گرامی علی و زهراء علیها السلام به روشنی به چشم می‌خورد.

اعتراف اول

صفی الدین محمد بن تاج الدین معروف به ابن الطقطقی الحسینی متوفای ۷۰۹ هجری نسب شناس و مورخ معروف در کتابی که تالیف آنرا به اصیل الدین حسن پسر خواجه نصیرالدین طوسی وزیر هلاکو تقدیم نموده، و آنرا به اسم خودش نام گذاری کرده در ذیل

عنوان بنات امیر المؤمنین علی علیه السلام می نویسد: (وام کلثوم و أمها فاطمة بنت رسول الله تزوجها عمر بن الخطاب فولدت له زيدا ثم خلف عليها عبدالله بن جعفر) یعنی «یکی دیگر از دختران امیر المؤمنین ام کلثوم می باشد که مادرش فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله است که عمر بن خطاب با وی ازدواج کرد و فرزندى به نام زید از او به دنیا آورد و پس از عمر به عقد عبدالله بن جعفر در آمد».

اعتراف دوم

محقق سید مهدی رجائی مطالب بسیاری نقل کرده از جمله تحقیق ابوالحسن العمری از نوه‌های عمر پسر امام زین العابدین (ع) در کتابش «المجدی» می نویسد: «آنچه از این روایات می توان بدان اعتماد کرد مطلبی است که اکنون از نظر گذشت که عباس ابن عبدالمطلب ام کلثوم را بارضایت و اجازه پدرش به ازدواج عمر در آورد و از عمر فرزندى به نام زید به دنیا آورد». محقق مذکور اقوال بسیار دیگری نیز نقل کرده از جمله: زنی که عمر با او ازدواج کرده شیطانی بوده!!! یا ممکن است ازدواج کرده اما با او هم بستری نکرده!!! یا اینکه به زور و با غضب با او ازدواج کرده است!!! .

اعتراف سوم

ملا باقر مجلسی می نویسد: «... همچنین است انکار شیخ مفید از

اصل جریان ازدواج. این برای بیان این مطلب است که آن (ازدواج) از طریق آنها ثابت نشده است، و الا بعد از ورود آن روایات و روایات دیگری که با سند خواهد آمد که علی علیه السلام هنگامی که عمر وفات کرد نزد ام کلثوم آمد و او را با خود به خانه خودش برد، و روایات دیگری که از بحار الانوار آورده ام این انکار، عجیب می نماید، اصل جواب این است که این ازدواج از روی تقیه واضطرار بوده است.....الخ!!!

اعتراف چهارم

انصاف هم خوب است. صاحب اصول کافی چندین حدیث در کتابش آورده است از جمله (باب المتوفی عنها زوجها المدخول بها أن تعتد وما یجب علیها: حمید بن زیاد عن ابن سماعه عن محمد بن زیاد عن عبدالله بن سنان و معاویه بن عمار عن ابي عبدالله علیه السلام قال: سألته عن المرأة المتوفی عنها زوجها أعتد فی بیتها او حیث شاءت؟ قال بل حیث شاءت إن علیا علیه السلام لما توفی عمر أتى ام کلثوم فانطلق بها إلى بیته). «معاویه بن عمار می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم زنی که همسرش وفات کند باید در خانه اش (عده) بنشیند یا هر جایی که خواست؟ فرمود بلکه هر جائیکه خواست، علی علیه السلام هنگامی که

عمر وفات کرد، ام کلثوم را با خود به خانه خودش برد).

اعتراف پنجم

خواننده عزیز! با بعضی از علمای معاصر تشیع درباره این ازدواج صحبت کردم، از بهترین ردودی که آنان برای توجیه این ازدواج نوشته اند رد قاضی محکمه اوقاف و مواریث شیخ عبدالحمید الخطی در قطیف عربستان که نماینده چندین مرجع بزرگ تقلید در عربستان سعودی است می گوید: «و اما اینکه قهرمان اسلام امام علی علیه السلام دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر در آورده جای تعجب ندارد، زیرا رسول گرامی صلی الله علیه و آله برای هر فردی از مسلمین أسوء حسنه هستند، ایشان با ام حبیبه رضی الله عنها دختر ابوسفیان ازدواج کردند، در حالیکه شخصیت ابو سفیان در برابر عمر رضی الله عنه اصلا قابل مقایسه نیست!، اینکه درباره ازدواج عمر با دختر علی اظهار تردید می شود هیچ توجیهی ندارد، و اما این گفته شما که عمر با جنی ازدواج کرده! یا جنی به شکل ام کلثوم در خانه عمر رضی الله عنه بوده! هم خنده دار و هم گریه آور است، و بقدری مسخره است که ارزش ذکر کردن هم ندارد اگر قرار باشد دنبال اینگونه چرنها بگردیم بسیار است!».

شیخ پیرامون بحث مورد نظر یعنی نقش مصاهره در پیوندهای اجتماعی چیزی نگفته و حتی اشاره ای نکرده، که اینگونه پیوند

اجتماعی در واقع جز با قناعت و باور تحقق نمی‌یابد، و در آن دلالت روشن و آشکاری بر محبت و اخوت و الفت بین دو خانواده عروس و داماد وجود دارد. خواننده عزیز! بر شما پوشیده نیست که بین ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب و بین ازدواج مرد اهل کتاب با زن مسلمان فرق آشکار وجود دارد، که اولی جایز و دومی ناجائز است، دقت کنید.

خلاصه:

مصاهره بین صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله بسیار روشن و آشکار است بویژه بین خاندان علی با خاندان خلفای راشدین علیهم السلام اجمعین، کما اینکه مصاهره بین بنی امیه و بنی هاشم قبل از اسلام و بعد از اسلام بسیار معروف است، که بارزترین آن ازدواج رسول الله صلی الله علیه و آله با دختر ابو سفیان است. مقصود ما در اینجا اشاره به دستاوردهای روانی و اجتماعی مصاهره بود که از بزرگترین و بارزترین آن محبت بین طرفین مصاهره است. امیدواریم همین مقداری که به عرض رساندیم کافی باشد.

تقديم به وحدت امت اسلامی

برادر و خواهر مسلمان!

از خداوند متعال خواستارم ما و شما را جهت نیل به سعادت دنیا و آخرت توفیق و تأیید عنایت فرماید.
خداوند ما را توفیق داد این هدیه کوچک و پرمحتوا را به شما تقدیم کنیم.

علت ایجاد اقوال مختلف در این زمینه این است که آنها خویشاوندی دینی بزرگ بین اهل بیت و اصحاب را که در عصر طلایی تاریخ اسلامی باعث ایجاد خویشاوندی و همبستگی بزرگ اجتماعی در میان مسلمانان شد فراموش کردند.

موضوعی که اهل بیت و اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از دشمنی‌های دروغینی که بین آنها نقل کرده‌اند تبرئه کرده و دوستی و خویشاوندی را بین آنها اثبات می‌کند. آن دشمنی‌هایی که براساس آنها امت اسلامی به فرقه‌های تکفیرکننده هم تبدیل شد.

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

از خداوند دادخواهی می‌کنیم و نسبت به آنچه می‌گویند تنها از او طلب کمک می‌نماییم.

از امروز به بعد که دلیل‌های قاطع داخل این رساله را درباره این

خویشاوندی که از مصادر واقعی و معتمد از هر طرف گرفته شده است، مشاهده می‌کنیم، هیچ عذری برای هر یک از ما باقی نمی‌ماند. لذا ما از مؤلف عزیز که سخنان گران‌بها را در این رساله درباره خویشاوندی بین اهل بیت و اصحاب گرامی گردآوری نمود و صمیمیت را در بین آنها ثابت کرد تشکر و قدردانی می‌نماییم و البته این امر در بین اهل مصر امر غریبی نیست.

ما در اینجا بر هر فرد مسلمان که از محتوای مهم این کتاب اطلاع پیدا می‌کند اقامه حجت می‌کنیم و از خداوند می‌خواهیم مسلمانان را بر راه حق و بر محبت و ولاء کامل با اهل بیت و اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر برائت از کسانی که عمداً یا غیر عمد به آنان توهین می‌کنند جمع کند.

و ما را همراهشان در زیر پرچم خاتم انبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله محشور نماید که پیشاپیش همه عشره مبشره، امهات المؤمنین و دو جوان گرانقدر بهشت و سایر اصحاب و اهل بیت در معیت صدیقین، شهداء و صالحین قرار دارند.

الذین أنعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقاً.

«وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

الحمد لله كما ينبغي لجلال وجهه وعظيم سلطانه أحمده حمداً طيباً مباركاً دائماً وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله أصلي وأسلم عليه وعلى أهله وصحبه ومن تبع هداة إلى يوم الدين وبعد :
 خداوند می فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝﴾. (النساء: ۱).

«ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست».

حکمت خداوند اقتضا کرد تا از گل بشر را بیافریند و پیوند خویشاوندی و فامیلی بین آنان قرار دهد تا مردمی که همه از نسل

آدم عَلَيْهِ السَّلَام هستند همدیگر را بشناسند. لذا اصحاب از طائفه‌های بنی‌هاشم، آل عقیل، آل عباس، آل علی، آل جعفر و غیره با اصحاب دیگر پیوند خویشاوندی برقرار نمودند، با زنان آنان ازدواج کردند، و زنانشان را به عقد آنها در آوردند.

مادامی که اسلام باعث جمع شدن آنها است، این امر موجب احساس خواری و کاستی یا تکبر و غرور نخواهد شد. و محبت و مودتی که به خاطر خدا باشد در خون و رگ انسان ساری و جاری است. اما عده‌ای که خود را به اسلام منتسب می‌کنند علمایشان راه دیگری را در پیش گرفته‌اند، آنها بسیاری از خویشاوندی و ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار می‌کنند، تا به پیروانشان چنین القاء کنند که عداوت و دشمنی بین این دو گروه هنوز پابرجا است.

این گونه علماء در قول خود بر دلیل‌های واهی و بدون اصل و اساس اعتماد می‌کنند.

این انکار را ابتدا شیخ مفید (ت ۴۱۳هـ) شروع کرد. او در کتابش «المسائل السرویه» ازدواج عمر بن خطاب با أم‌کلثوم دختر علی بن ابی طالب را به دلیل اینکه از طریق زبیر بن بکار روایت شده است انکار می‌کند. او می‌گوید چون او از نزدیکان زبیر است، و دشمنی زبیری‌ها و طالبی‌ها (البته این را مفید ادعا می‌کند) معلوم است.

بعد از شیخ مفید علمای شیعه راههای مختلفی را در انکار بسیاری از این ازدواج‌ها طی کرده‌اند که ما در کتاب «زواج عمر بن الخطاب من أم كلثوم بنت علي حقیقه و لیس افتراء» مفصلاً آنها را رد داده‌ایم شما می‌توانید به آن مراجعه کنید.

ولی علماء معاصر شیعه امامیه که از مصادر و منابع اصیل و اساسی و مراجع مختلف و کتب علم انساب که خود علماء شیعه در گذشته آنها را تصنیف، تحقیق و چاپ نموده‌اند غافلند، یا خود را به غفلت زده‌اند و از برخی علمای قبل از خود تقلید کرده‌اند لذا بسیاری از این ازدواج‌ها را انکار نموده‌اند.

یکی از این علمای معاصر علی محمد علی دخیل در کتابش «سکینه بنت الحسین» و محسن باقر الموسوی در کتابش «سکینه بنت الحسین» و شیخ محمد رضا الحکیمی در کتابش «أعیان النساء» و چندین عالم دیگر از آنها ازدواج فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان را انکار نموده‌اند. در صورتی که امثال این ازدواج‌ها در کتب علم انساب ثبت شده‌اند که توسط علمای شیعه امامیه در گذشته تألیف شده است.

بنابراین مصلحت دیدم ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را جمع‌آوری نمایم و برای اثبات آنها از مصادر و مراجع اصیل شیعه امامیه و کتابهای علمای انساب استفاده کنم تا جای

هیچ گونه شک و شبهه‌ای باقی نماند.

مهمترین این مراجع عبارتند از:

۱- عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب، ابن عنبه (ت ۸۲۸هـ)

او از نسب شناسان شیعه است.

۲- الأصيلی فی أنساب الطالبین، ابن الطقطقی (ت ۷۰۹هـ) او نیز

از نسب شناسان شیعه است.

او این کتاب را به اصیل‌الدین بن نصیرالدین طوسی تقدیم کرده است و مهدی رجایی بر اساس نسخه خطی آن، آنرا تحقیق کرده است. و استاد او آیت الله العظمی نجفی مرعشی مدام او را به این نسخه توصیه می‌کرد و این کتاب در کتابخانه مرعشی موجود است. تمام افرادی که در تهیه و چاپ کتاب مذکور نقش داشته‌اند از جمله مصنف، محقق، استادش، نسخه‌چاپی، کسی که این کتاب به او تقدیم شده است همه از علمای شیعه هستند.

۳- سر السلسلة العلویة، أبونصر بخاری، او از علمای نسب

شناس شیعه است. او در سال (۳۴۱هـ) در قید حیات بود.

۴- الإرشاد، شیخ مفید، او یکی از علمای بزرگ شیعه است و

نیازی به معرفی ایشان یا مذهبشان نیست. (ت ۴۱۳هـ).

۵- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی از علمای بزرگ شیعه که

کتابی درباره کنیه و القاب دارد.

- ۶- تراجم أعلام النساء، محمد حسين أعلمی حائری.
- ۷- كشف الغمة فی معرفة الأئمة، أربلی.
- ۸- الأنوار النعمانية، نعمت الله جزائری (ت ۱۱۱۲هـ).
- ۹- أعيان النساء، شیخ محمد رضا حکیمی، چاپ مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳هـ، ۱۹۸۳م.
- ۱۰- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، چاپ چاپخانه صعب و دار صادر از بیروت.
- ۱۱- و کتابهای معتمد دیگر از علم انساب مانند: «أنساب الأشراف» بلاذری و «نسب قریش» مصعب الزبیری و «مقاتل الطالبیین» ابوالفرج اصفهانی و کتابهای زیاد دیگری از علمای انساب و تاریخ شناس شیعه امامیه و از سایر علمای انساب به طور عموم استفاده شده است.
- و مناسب دیدم که در کنار این ازدواجها اسم پسران اهل بیت و کنیه و القاب آنها را نیز اضافه کنم تا خواننده گرامی را به حقایقی جانبی برساند که مورد توجه قرار نگرفته‌اند.
- خواننده محترم ملاحظه خواهد کرد که خانه‌ای از اهل بیت از نامهای ابوبکر، عمر، عثمان و عائشه به خاطر محبت و احترام به آنها، خالی نبوده است و تمام این اسمها از مصادر اصیل شیعه امامیه به ثبت رسیده‌اند.

خواننده گرامی! اکنون مذهب و تعصبتان را کنار بگذارید و با دیده بصیرت و عقل قبل از هر چیز به مسائل بنگرید تا حقایق برایتان روشن گردد.

پروردگارا! این کار را تنها به خاطر تو انجام دادم پس آن را از من بپذیر و برایم آسان کن و از جمله کارهای نیکم قرار ده و مرا یاری کن، همانا تو بهترین مولی و یاری دهنده هستی.
و آخرین دعای ما این است که حمد و سپاس ویژه پروردگار جهانیان است.

سید بن احمد بن ابراهیم از سرزمین کنانه (مصر)

۷ صفر ۱۴۲۳ هـ مصادف با ۲ آوریل ۲۰۰۲ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسمهایی از اهل بیت علوی و هاشمی که به نام‌های اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نامگذاری شده‌اند!

ابوبکر رضی الله عنه:

هر انسان عالم و جاهل اعم از شیعه و سنی می‌داند ابوبکر صدیق، اسمش عبدالله و خلیفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. لذا هیچ عاقلی شک ندارد هر کس اسم پسرش یا کنیه خودش را ابوبکر بگذارد بخاطر محبت او و سایر اصحاب رضی الله عنهم و در رأس آنها ابوبکر صدیق بوده است.

کسانی که از اهل بیت نامشان ابوبکر بوده است:

۱- ابوبکر بن علی بن ابی طالب

او همراه امام حسین در کربلاء شهید شد و مادرش لیلی دختر مسعود النهشلیه است.

نگا: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۸۶-۲۴۸)، تاریخ یعقوبی فی اولاد علی و منتهی الآمال شیخ عباس قمی (۱/۲۶۱) او می‌گوید اسمش محمد و کنیه‌اش ابوبکر است «و محمد یکنی بأبی بکر...» (۱/۵۴۴). «بحار الانوار مجلسی» (۴۲/۱۲۰).

۲- ابوبکر بن حسن بن علی بن ابی طالب

او همراه عمویش حسین در کربلاء شهید شد. شیخ مفید در

«الارشاد» (ص ۲۴۸) نام او را جزو کشته شدگان کربلاء ذکر کرده است. نگا: «تاریخ یعقوبی فی أولاد الحسن» و «منتهی الآمال» شیخ عباس قمی (۵۴۴/۱) در باب استشهاد فتیان بنی هاشم فی کربلاء.

۲- ابوبکر علی زین العابدین

کنیه علی زین العابدین بن حسین، ابوبکر بوده است. بسیاری از علماء شیعه امامیه آن را ذکر کرده‌اند. به کتاب «الأنوار النعمانیه» جزائی مراجعه شود.

۴- ابوبکر علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر

صادق

کنیه امام رضا، ابوبکر بوده است. این موضوع را نوری طبرسی در کتابش «النجم الثاقب فی ألقاب و أسماء الحجّه الغائب» آورده است. او در این کتاب می‌گوید: «۱۴- ابوبکر و هی إحدى کنی الامام رضا کما ذکرها ابوالفرج الاصفهانی فی مقاتل الطالبیین». «۱۴- یکی از کنیه‌های امام رضا ابوبکر است که ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین آنرا ذکر کرده است».

۵- ابوبکر محمد مهدی منتظر بن حسن عسکری

یکی از اسم‌های مهدی منتظر که شیعه معتقد است بیش از (۱۱۰۰) سال پیش به دنیا آمده ابوبکر است. این موضوع را نوری طبرسی در کتابش در لقب شماره ۱۴ ذکر کرده است.

این سؤال مطرح است که چرا مهدی منتظر شیعه امامیه به ابوبکر ملقب و یا کنیه‌دار می‌شود؟!!

٦- ابوبکر بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

صاحب «أنساب الأشراف» (ص ٦٨) می‌گوید: «عبدالله بن جعفر دنیا آمد و ابوبکر همراه حسین کشته شد و مادرشان الخوصاء از قبیله ربیعہ می‌باشد» و خلیفه بن خیاط در تاریخش (ص ٢٤٠) در بحث نام کسانی از بنی‌هاشم که در معرکه حرّه کشته شده‌اند نام او را ذکر نموده است.

عمر رضی الله عنه

بی‌شک یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، عمر بن خطاب بوده است و هر کس این نام را برگزیند به خاطر به فال نیک گرفتن عمر بن خطاب است.

(کسانی که نامشان عمر بوده است).

١- عمر الأطرف بن علی بن ابی طالب

مادرش ام حبیب الصهباء التغلبیه از اسیران جنگ با مرتدان است.

نگا: «سر السلسله العلویه» ابونصر بخاری شیعی (ص ١٢٣) در بحث نسب عمر الأطرف و «منتهی الامال» عباس قمی (٢٦١/١) او می‌گوید: «عمر و رقیه کبری با هم دوقلو بوده‌اند» و «بحار الانوار» مجلسی (١٢٠/٤٢).

۲- عمر بن حسن بن علی بن ابی طالب

مادرش ام‌الولد بود که با عمویش حسین در کربلا شهید شد. نگا: «عمده‌الطالب» ابن عنبه حاشیه ص ۱۱۶، تاریخ یعقوبی ص ۲۲۸ در بحث اولاد حسن.

یعقوبی در تاریخش می‌گوید: «حسن هشت پسر به نام‌های زید، عمر، قاسم، ابوبکر، عبدالرحمن از مادران متفاوت و طلحه و عبدالله داشت».

۳- عمر الأشرف بن علی زین‌العابدین بن الحسین

مادرش ام‌الولد و لقبش الاشرف بود چون عمر پسر علی‌بن ابی‌طالب لقبش الاطرف بود. نگا: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۲۶۱) و «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۲۲۳). ملقب به الاشرف شد چون از حسین و حسن بود اما عمرالاطرف از یک طرف و آن هم پدرش علی‌بن ابی‌طالب بود.

۴- عمر بن یحیی بن حسین بن زید شهید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب

محمد أعلمی حائری در تراجم أعلام النساء زیر نام دختر حسن بن عبیدالله بن جعفر طیار (ص ۳۵۹) نام او را ذکر کرده است.

۵- عمر بن موسی کاظم بن جعفر صادق

ابن‌الخشاب در بحث فرزندان موسی کاظم نام او را آورده است. او چنین می‌گوید: «بیست پسر که عمر و عقیل در میان آنها

بود و هجده دختر». به کتاب «تواریخ النبی والآل» محمدتقی تستری مراجعه شود.

عثمان رضی اللہ عنہ

خلیفه سوم عثمان بن عفان ذوالنورین همسر دو دختر پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم رقیه و ام کلثوم، که شهید شد.

کسانی که نامشان عثمان بود عبارتند از:

۱- عثمان بن علی بن ابی طالب

او در کربلا همراه حسین شهید شد، مادرش ام البنین دختر حزم وحیدیه کلاییه است. نگا: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۸۶-۴۲۸) و «اعیان النساء» شیخ محمدرضا الحکیمی (ص ۵۱) و «تاریخ الیعقوبی» در بحث اولاد علی، و «منتهی الآمال» (۵۴۴/۱) و التستری فی تواریخ النبی والآل (ص ۱۱۵) در بحث فرزندان امیرالمؤمنین.

۲- عثمان بن عقیل بن ابی طالب

بلاذری در «انساب الاشراف» (ص ۷۰) می گوید: «از جمله پسران عقیل مسلم ... و عثمان است».

عائشه رضی اللہ عنہا

عائشه دختر ابوبکر صدیق و همسر حضرت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم است. ملاحظه می شود در میان اهل بیت اگر یکی از آنها پسران زیاد، ولی تنها یک دختر داشت و نام او را عائشه می گذاشت. قطعاً او با رغبت فراوان تنها دخترش را به نام عائشه نام گذاری می کرد علت

آن چه بود!!؟

حال اگر علمای شیعه جوابی دارند آن را ابراز کنند.
پروردگارا راه درست را به ما الهام کن.

(کسانی که اسمشان عائشه است عبارتند از:)

۱- عائشه دختر موسی کاظم بن جعفر صادق

او از دختران موسی کاظم است، این امر را بسیاری از علماء شیعه از جمله شیخ مفید در «الارشاد» (ص ۳۰۳) و ابن عنبه در «عمده الطالب» حاشیه (ص ۲۶۶) و نعمه الله جزائری در «الانوار النعمانیه» (۳۸۰/۱) ذکر کرده‌اند.

می‌گویم: دلیل محبت بیش از حد اهل بیت به ام‌المؤمنین عائشه این است که موسی کاظم سی و هفت پسر و فقط یک دختر داشت که نام او را عائشه گذاشت.

صاحب «انوار النعمانیه» (۳۸۰/۱) می‌گوید: «تعداد فرزندان او سی و هفت پسر و یک دختر است: امام رضا و ... و ... و عائشه». گرچه در تعداد اولاد او اختلاف وجود دارد اما آنچه مورد اتفاق است این است که دختری به نام عائشه داشته است. ابونصر بخاری می‌گوید: «موسی کاظم هجده پسر و بیست و دو دختر داشته است» «سر السلسله العلویه» (ص ۵۳).

تستری در تواریخ‌النبی و الآل اسم هفده دختر را آورده است «فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، رقیه صغری، حکیمه، ام ابیها، ام کلثوم، ام سلمه، ام جعفر، لبانه، علیه، آمنه، حسنه، بریهه، عائشه، زینب و خدیجه» تواریخ‌النبی و الآل (ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲- عائشه دختر جعفر بن موسی کاظم بن جعفر صادق

العمری در المجدی می‌گوید: «به پسر جعفر بن موسی کاظم بن جعفر صادق الخواری گفته می‌شود. او و هشت دختر از یک ام ولد هستند. آنها عبارتند از: حسنه، عباسه، عائشه، فاطمه کبری، فاطمه صغری، اسماء، زینب، ام جعفر...».

نگا: «سر السلسله العلویه (ص ۶۳) حاشیه محقق».

۲- عائشه دختر علی‌الرضا بن موسی کاظم

ابن‌الخشاب در کتابش «موالید اهل‌البیت» می‌گوید: «امام رضا پنج پسر و یک دختر داشت به نام‌های؛ محمد قانع، حسن، جعفر، ابراهیم، حسین، که دخترش عائشه نام داشت. نگا: «تواریخ‌النبی و الآل» (ص ۱۲۸).

۴- عائشه دختر علی‌الهادی بن محمدجواد بن علی

الرضا

شیخ مفید در «الارشاد» (ص ۳۳۴) می‌گوید: «او چند پسر به نام‌های ابومحمدحسن که بعد از او امام شد، حسین، محمد و

جعفر و دخترش عائشه نام داشت».

طلحه رضی الله عنه

کسانی که نامشان طلحه بود:

۱- طلحه بن حسن بن علی بن ابی طالب

یعقوبی در تاریخش او را یکی از فرزندان حسن نام برده است.
(ص ۲۲۸) و همچنین تستری در تواریخ النبی والآل (ص ۱۲۰).

معاویه رضی الله عنه

(کسانی که نامشان معاویه بود):

معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

عبدالله یکی از فرزندانش را معاویه (به اسم معاویه بن ابی سفیان) نام نهاد، و این معاویه هم دارای فرزندان است.
نگا: انساب الاشراف (ص ۶۰-۶۸) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۵۶).

ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ازدواج‌های اهل بیت و خانواده ابوبکر صدیق

۱- ازدواج محمد صلی الله علیه و آله و سلم با عائشه دختر ابوبکر رضی الله عنه

این ازدواج را هیچ‌یک از علماء شیعه امامیه انکار نکرده‌اند هر چند آنها علیه عائشه زیاد سخن می‌گویند و هیچ عالم قدیم یا جدیدی یافت نمی‌شود که از او راضی باشد و بگوید: رضی الله عنه، برخلاف اتهام زناکاری که به او می‌زنند. همچنان که قمی و علماء دیگر از شیعه امامیه بیان کرده‌اند.

۲- ازدواج موسی جون بن عبدالله محض بن حسن مثنی

بن حسن بن علی بن ابی طالب با ام سلمه دختر محمد بن طلحه بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابوبکر الصدیق

در این ازدواج از ام سلمه عبدالله متولد شد. نگا: «تراجم اعلام النساء» (ص ۲۷۳) و «سر السلسله العلویه» ابونصر بخاری (ص ۲۰) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۱۳۴).

ام سلمه دختر عائشه بنت طلحه بن عبیدالله و مادرش ام کلثوم دختر ابوبکر صدیق است.

۳- ازدواج اسحاق بن جعفر بن ابی طالب با ام حکیم

دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق و خواهر ام فروه

نگا: «تراجم اعلام النساء» محمد اعلمی حائری (ص ۲۶۰).

۴- ازدواج محمدباقر بن علی زین العابدین بن حسین با ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق

حاصل این ازدواج جعفر صادق بود.

نگا: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۲۷۰) و «تراجم اعلام النساء» محمد اعلمی
حائری (ص ۲۷۸) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۲۲۵) و «الاصیلی» ابن طقطقی
(ص ۱۴۹) و مقاله مشهور امام جعفر صادق به نام «ولدنی ابوبکر
مرتین». به جعفر صادق گفته می شد «عمودالشرف».

اما اینکه گفته است: «ولدنی ابوبکر مرتین» «ابوبکر مرا دوبار به
دنیا آورده است» بدین دلیل است که مادرش ام فروه بنت قاسم بن
محمد بن ابوبکر صدیق است و دوباره مادر ام فروه اسماء دختر
عبدالرحمن بن ابوبکر است.

پس ای خواننده گرامی به دقت نگاه کن که چگونه با خانواده
ابوبکر صدیق پیوند خویشاوندی برقرار کرده اند.

۵- ازدواج حسن بن علی بن ابی طالب با حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر

نگا: «تواریخ النبی والآل» التستری (ص ۱۰۷) در بحث همسران امام حسن.

ازدواج‌های بین اهل بیت و آل زبیر

۱- ازدواج صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر صلی الله علیه و آله با عوام بن خویلد.

ثمره این ازدواج زبیر بن عوام بود. همه کتب مراجع و کتب انساب این ازدواج را به ثبت رسانده و هیچکدام از مورخین و علماء انساب آن را انکار نکرده‌اند.

۲- ازدواج ام‌الحسن دختر حسن بن علی بن ابی‌طالب با عبدالله بن زبیر بن عوام

نگا: «منتهی الآمال» عباس قمی (ص ۳۴۱) و «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۲۸۸) و «تراجم اعلام النساء» محمدحسین اعلمی حائری (ص ۳۴۶) و «المجدی» ابوالحسن العمری، و از علماء انساب البلاذری در «انساب الاشراف» (۱۹۳/۲) و مصعب الزبیری در «نسب قریش» (ص ۵۰).

۳- ازدواج رقیه دختر حسن بن علی بن ابی‌طالب با عمرو بن زبیر بن عوام

نگا: «منتهی الآمال» عباس قمی (ص ۳۴۲) و «تراجم اعلام النساء» الاعلمی (ص ۳۴۶) و «المجدی» ابوالحسن العمری و «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۸۸) و «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۵۰) از علماء علم انساب.

۴- ازدواج ملیکه دختر حسن بن علی بن ابی‌طالب با جعفر بن مصعب بن زبیر

از این ازدواج دختری به نام فاطمه بدنیا آمد.

نگا: «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۵۳).

۵- ازدواج موسی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن

ابی طالب با عبیده دختر زبیر بن هشام بن عروه بن زبیر بن عوام

از این ازدواج عمر درج، زینب و صفیه بدنیا آمدند.

نگا: «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۲).

۶- ازدواج جعفر اکبر بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با فاطمه دختر عروه بن زبیر بن عوام

از این ازدواج پسری به نام علی بدنیا آمد.

نگا: «نسب قریش» مصعب زبیری (ص ۷۲).

۷- ازدواج عبدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با ام عمرو. دختر عمرو بن زبیر بن عروه بن عمر بن زبیر

از این ازدواج جعفر و فاطمه بدنیا آمدند.

نگا: «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۳-۷۴)

۸- ازدواج محمد بن عوف بن علی بن محمد بن علی بن ابی طالب با صفیه دختر محمد بن مصعب بن زبیر

از این ازدواج دو فرزند به نام‌های: علی و حسنه بدنیا آمدند.

نگا: «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۷).

۹- ازدواج دختر قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب با حمزه پسر عبدالله بن زبیر بن عوام.

و از این ازدواج دارای فرزند شدند.

نگا: «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۸۲).

١٠- ازدواج محمد بن عبدالله نفس الزكيه بن حسن المثنى بن الحسن بن علي بن ابي طالب با فاخته دختر فليح بن محمد بن المنذر بن زبير

از اين ازدواج طاهر بدنيا آمد. نگا: «سر السلسله العلويه» ابونصر بخارى (ص ١٨) از علماء انساب شيعه.

١١- ازدواج حسين اصغر بن علي زين العابدين بن حسين با خالده دختر حمزه بن مصعب بن زبير بن عوام

نگا: «تراجم اعلام النساء» شيخ محمدحسين اعلمى از علماء انساب شيعه (ص ٣٦١).

١٢- ازدواج سكينه دختر حسين بن علي بن ابي طالب با مصعب بن زبير بن عوام

نگا: «عمده الطالب فى انساب آل ابي طالب» ابن عنبه (ص ١١٨) (تولد ٨٢٨ هـ) و «الاصيلى فى انساب الطالبين» ابن الطقطقى (ص ٦٥-٦٦). (تولد: ٧٠٩ هـ) اين دو مرجع از بزرگترين مراجع شيعه در علم انساب هستند.

١٣- ازدواج حسين بن حسن بن علي بن ابي طالب با امينه دختر حمزه بن منذر بن زبير بن عوام

ابونصر بخارى يکى از علماء بزرگ شيعه در علم انساب در «سر السلسله العلويه» (ص ١٠٣) مى گويد: فرزندان حسين بن حسن عبارتند از: محمد، علي، حسن و فاطمه که مادرشان امينه دختر حمزه بن منذر بن زبير است.

۱۴- ازدواج علی الخرزى بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با فاطمه دختر عثمان بن عروه بن زبیر بن عوام

ابونصر بخاری در «سر السلسله العلویه» (ص ۱۰۲) می گوید: علی پسر حسن بن علی معروف به خرزى از فاطمه دختر عثمان بن عروه بن زبیر بن عوام صاحب پسری به نام حسن شد.

ازدواج های بین اهل بیت و آل خطاب از فرزندان عدی

۱- ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حفصه دختر عمر بن خطاب

هیچ یک از علماء شیعه امامیه این ازدواج را انکار نکرده اند گرچه آنها سب و لعن و طعن نثار او و ام المؤمنین عائشه می کنند.

۲- ازدواج حسن الانطس بن علی بن علی زین العابدین بن حسین با دختر خالد بن ابوبکر بن عبدالله بن عمر بن خطاب

نگا: «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۳۳۷) و «تراجم اعلام النساء» (ص ۳۶۱).

۳- ازدواج حسن المثنی پسر حسن بن علی بن ابی طالب با رمله دختر سعید بن زید بن نفیل العدوی

از این ازدواج محمد، رقیه و فاطمه به دنیا آمدند. نگا: «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۱۲۰) در حاشیه.

ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی تیمم

۱- ازدواج حسن بن علی بن ابی طالب با ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله التیمی

از این ازدواج فاطمه، ام عبدالله، طلحه بن حسن به دنیا آمدند. نگاه: «الارشاد» (ص ۱۹۴) و «متهی الآمال» (ص ۶۵۱- فصل ۱۲ در بیان اولاد حسین) و «کشف الغمه فی معرفه الائمه» (۵۷۵/۲، بحث اولاد حسن) و «الانوار النعمانیة» جزائی (۳۷۴/۱) او می‌گوید: حسین اثرم پسر حسن و طلحه و فاطمه مادرشان ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله التیمی است.

۲- ازدواج حسین بن علی بن ابی طالب با ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی

امام حسن قبل از مرگش به او وصیت کرد تا با ام اسحاق ازدواج کند، از این ازدواج فاطمه به دنیا آمد. نگاه: «الارشاد» (ص ۱۹۴) و «متهی الآمال» (ص ۶۵۱- فصل ۱۲ بحث فرزندان حسین) و «الانوار النعمانیة» جزائی (۳۷۴/۱) او می‌گوید: «و فاطمه دختر حسین که مادرش ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله است».

ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی امیه

۱- ازدواج رقیه و ام‌کلثوم دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله با عثمان

بن عفان رضی الله عنه

هیچکدام از علماء شیعه امامیه این ازدواج را انکار نکرده‌اند. با این وجود عثمان بن عفان را طعن و لعن می‌کنند و معتقدند این ازدواج از قبیل اظهار اسلام با کفر پنهان است.

نگا: «المسائل السرویه» شیخ مفید. آنها معتقدند رقیه بر اثر شدت ضربه عثمان به قتل رسیده است. اما اگر چنین است چرا پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره ام‌کلثوم را به عقد او درآورد؟!

۲- ازدواج زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوالعاص بن ربیع

ابوالعاص بن ربیع پسر خاله زینب و مادرش هاله دختر خویند است. از این ازدواج دختری به نام امامه به دنیا آمد که علی بن ابی طالب بعد از وفات فاطمه زهرا با او ازدواج کرد و هیچکدام از علماء شیعه امامیه آنرا انکار نکرده‌اند.

۳- ازدواج علی بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن

علی بن ابی طالب با رقیه دختر عمر العثمانيه

او قبلاً همسر مهدی بن منصور بود. لذا هادی از ازدواج علی بن حسن با او راضی نبود و او را امر کرد تا رقیه را طلاق بدهد.

اما علي بن حسن امتناع کرد و گفت: مهدی پیامبر خدا نیست تا همسران او بر ما حرام باشند و همچنین مهدی از من شریف‌تر نیست. «سر السلسله العلویه» (ص ۱۰۳).

۴- ازدواج علی بن ابی‌طالب با امامه دختر عاص بن ربیع که شرح آن گذشت.

۵- ازدواج خدیجه دختر علی بن ابی‌طالب با عبدالرحمن بن عامر بن کریز اموی

نگا: «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۸۳ - در حاشیه) به نقل از «المجدی» ابوالحسن العمری از علماء شیعه در علم انساب، و «تراجم اعلام النساء» (ص ۳۴۵) و «جمهره انساب‌العرب» ابن حزم (ص ۶۸) و در «عمده‌الطالب» آمده است عبدالرحمن بن عامر اموی (بدون ذکر نام کریز) با او ازدواج کرد.

۶- ازدواج رمله دختر علی بن ابی‌طالب با معاویه بن مروان بن حکم

نگا: «نسب قریش» (ص ۴۶) و «جمهره انساب‌العرب» (ص ۸۷). در آن آمده است: رمله همسر ابوالهیاج هاشمی عبدالله بن ابی‌الحارث بن عبدالمطلب بود. او فرزندی را برایش به دنیا آورد که بعد از فوت عبدالله بن سفیان بن حارث، معاویه بن مروان بن حکم با او ازدواج کرد.

۷- ازدواج زینب دختر حسن بن المثنی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب با ولید بن عبدالملک بن مروان

نگا: «نسب قریش» (ص ۵۲) و «جمهره انساب‌العرب» (ص ۱۰۸).

۸- ازدواج نفیسه دختر زید بن حسن بن علی بن ابی طالب با ولید بن عبدالملک بن مروان

نگا: «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۶۱ و ۹۰) از علمای انساب شیعه.

۹- ازدواج ام اییها دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب با عبدالملک بن مروان

صاحب «انساب الاشراف» (ص ۵۹-۶۰) می گوید: «عبدالله دختری به نام ام اییها داشت که عبدالملک بن مروان با او ازدواج کرد».

و گفته شده که نامش ام کلثوم بود که با عبدالملک ازدواج کرد و او را طلاق داد و به عقد ابان بن عثمان بن عفان درآمد. اما قولی دیگر می گوید هر دو وجود داشته اند که ام اییها را عبدالله سپس علی بن عبدالله بن عباس به عقد خود درآوردند.

محمد حکیمی در «اعیان النساء» (ص ۱۲۰) می گوید: «عبدالملک بن مروان در دمشق با او ازدواج کرد و او را طلاق داد سپس علی بن عبدالله بن عباس او را به عقد خود درآورد و نزد او به رحمت ایزدی پیوست».

در «تاریخ یعقوبی» (ص ۳۲۲) آمده است: «علی بن عبدالله بن عباس بیست و دو فرزند داشت که عبدالله اکبر از ام اییها دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب متولد شد».

١٠- ازدواج فاطمه دختر حسين بن علي بن ابی طالب با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان

از او محمد دیباج به دنیا آمد. که در سال ١٤٥هـ در زندان منصور دوانیقی با سایر برادرانش از جمله عبدالله محض و حسن المثلث از اهل بیت به قتل رسیدند. فاطمه قبل از او همسر حسن المثنی بود که عبدالله محض و حسن المثلث و ابراهیم الغمر را برایش به دنیا آورد.

علماء شیعه از این ازدواج خود را غافل کرده‌اند و یا برخی از آنها آنرا انکار می‌کنند مانند: علی محمد علی دخیل در کتابش فاطمه دختر حسین چنین به نظر می‌رساند که او جز با حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب ازدواج نکرده است. و همچنین از جمله کسانی که این نکاح را به فراموشی سپرده‌اند شیخ محمدرضا حکیمی است. او در کتابش «اعیان النساء عبر العصور المختلفه» درباره فاطمه دختر حسین شهید و ازدواجش با حسن المثنی و تولد فرزندانش و همچنین زندانی کردن آنها توسط منصور دوانیقی و به قتل رساندن آنها توضیح می‌دهد. اما او به قتل رسیدن برادرشان محمد دیباج پسر عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان را همراه آنها ذکر نکرده است. با این وجود، همه علماء شیعه امامیه اقرار می‌کنند که مادر

فاطمه دختر حسین ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله است. و ام اسحاق همسر حسن بن علی نیز بوده است که فرزندانیش برایش به دنیا آورد.

امام حسن به برادرش حسین وصیت کرد بعد از مرگش با او ازدواج کند و حسین نیز با او ازدواج کرد و دختری به نام فاطمه برایش به دنیا آورد که در بسیاری از مراجع و مصادر مسطور است از جمله مصادر شیعه امامیه مانند: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۹۴) و «الانوار النعمانیه» نعمه الله جزائری (۳۷۴/۱) و «منتهی الآمال» عباس قمی (ص ۶۵۱- فصل ۱۲، بحث فرزندان حسین) و «تاریخ یعقوبی» (۳۷۴/۱- بحث زندگی فاطمه دختر حسین) و «الاصیلی» (ص ۶۵-۶۶) و «عمده الطالب» (ص ۱۱۸).

و کتب علم نسب مانند: انساب الاشراف (۶۰۷/۴) و «جمهره انساب العرب» (۴۱-۸۳) و «نسب قریش» (ص ۵۱).

فاطمه دختر حسین در سال ۱۱۷ هـ فوت کرد همان سالی که خواهرش سکینه دختر حسین و فاطمه کبری دختر علی بن ابی طالب فوت کردند.

شاید خواننده گرامی مشتاق باشد تردیدش را شفا دهد و نصوص صریح از مصادر شیعه امامیه را درباره ازدواج فاطمه

دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان عیناً ببیند.

پس عین عبارات را نقل می‌کنم:

۱- ابن طقطقی (ت ۷۰۹) یکی از علماء بزرگ علم انساب شیعه امامیه در کتابش «الاصیلی فی انساب الطالبیین» دربارهٔ این ازدواج می‌گوید: «خلف فاطمه بنت الحسین عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فولدت له».

«بعداً فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ازدواج کرد و از او صاحب فرزند شد».

۲- ابن عنبه (ت ۸۲۸) از علماء بزرگ علم انساب از شیعه امامیه در کتابش «عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب» (ص ۱۸۸) محقق کتاب دربارهٔ این ازدواج در حاشیه آن می‌گوید: «فاطمه بعد از حسن المثنی با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان اموی ازدواج کرد ... و از او صاحب چند فرزند به نام‌های محمد مقتول، برادرش عبدالله بن حسن (که به او دیباج گفته می‌شد)، قاسم و رقیه شد. «عمده الطالب» (ص ۱۱ حاشیه).

خلاصه اینکه ازدواج فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان در مصادر شیعه امامیه و اهل سنت وجود دارد و این موضوع در بیست و هفت مرجع که سه تای آنها از مراجع

شیعه امامیه هستند ذکر شده است.

این سه مرجع عبارتند از: «الاصیلی فی انساب الطالبین» ابن الطقطقی (ص ۶۵-۶۶)، «عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب» ابن عنبه (ص ۱۸۸) و «تاریخ الیعقوبی» (۳۷۴/۲).

و مراجع دیگر از کتب تاریخ و انساب که به آنها اشاره می‌کنیم «المعارف» ابن قتیبه (ت ۲۷۶هـ)، «تاریخ اسلام» ذهبی (ت ۷۴۸هـ) (ص ۴۴۲- رویدادهای سال ۱۰۱-۱۲۰هـ)، «المنتظم فی تاریخ الامم والملوک» ابن الجوزی (ت ۵۹۷هـ)، (۱۷/۱۸۲- شماره ۶۳۰)، «انساب الاشراف» احمد بن یحیی البلاذری (۲/۱۹۸)، «البدایه والنهایه» ابن کثیر (ت ۷۷۴هـ)، «العقد الفرید» ابن عبد ربّه، «تقریب التهذیب» ابن حجر العسقلانی (۲/۴۸۲-۶۰۹)، «تهذیب التهذیب» ابن حجر (ت ۸۵۲هـ) (۱۲/۴۴۲- شماره ۲۸۶۳ و ۱۰/۴۹۶ شماره ۱۹۴۸)، «تاریخ دمشق» ابن عساکر (۲۷۲-۲۷۹-۲۸۰)، «نسب قریش» مصعب الزبیری (ت ۲۳۶هـ) (ص ۵۱)، «الطبقات الکبری» ابن سعد (۸/۴۷۳-۴۷۴)، «تاریخ ابن معین» (۲/۷۳۹)، «الثقات» ابن حبان (۳/۲۱۶)، «المعرفه و التاریخ» (۳/۲۶۵)، «الکامل فی التاریخ» ابن اثیر (ت ۶۳۰هـ) (۵/۵۱۸-۵۲۳ و ۶/۲۱۶)، «تهذیب الکمال» مزی (ت ۷۴۲هـ)، (۳/۱۱۹۲-۳۹۲)، «الکاشف» ذهبی (۳/۴۳۲ شماره ۱۱۰)، «جامع التحصیل» (۴/۳۹۴ شماره

(١٠٣٢)، «خلاصه تهذيب التهذيب» (٤٩٤)، «التذكرة الحمدونية» (٤٨٢/١)، «جمهره انساب العرب» ابن حزم (ص ٤١-٨٣).

آیا بعد از این همه مراجع سخن دیگری وجود دارد؟!

١١- ازدواج حسین بن علی بن ابی طالب با لیلی یا آمنه دختر ابی مرّه

او ثقفی و اموی است. شیخ عباس قمی در «منتهی الآمال» (ص ٦٥٣-٦٥٤) می گوید: «یکی از همسران حسین لیلی دختر ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است و مادرش میمونه دختر ابوسفیان و او نیز مادر علی اکبر است. پس علی اکبر از جهت پدرش هاشمی و از جهت مادرش ثقفی و اموی است.

نگا: «نسب قریش» (ص ٥٧) فصل فرزندان حسین که در آن آمده است «یکی از همسران او لیلی یا آمنه دختر معتب بن عمرو بن سعد بن مسعود بن عوف بن قیس است و مادرش میمونه دختر ابوسفیان بن حرب بن امیه است».

ازدواج‌های بین اهل بیت علوی و اهل بیت عباسی

۱- ازدواج محمد جواد بن علی الرضا بن موسی کاظم با ام حبیب دختر مأمون عباسی

این ازدواج در آخر صفر سال ۲۰۲ هـ صورت گرفت.
نگا: «تراجم اعلام النساء» محمد الاعلمی الحائری (ص ۲۴۹) و «سیره الأئمه الاثنی عشر» هاشم معروف الحسینی (ص ۴۰۴-۴۰۵) و «الارشاد» (ص ۳۲۱) که او را ام الفضل نام نهاد و «المناقب» ابن شهر آشوب (۲۲۴/۱).

۲- ازدواج فاطمه دختر محمد بن علی النقی بن محمد جواد بن علی الرضا با خلیفه عباسی هارون الرشید

نگا: مراجع شیعه «مناقب آل ابی طالب» (۲۲۴/۲).

۳- ازدواج عبیدالله بن محمد بن عمر الاطرف بن علی بن ابی طالب با عمه ابی جعفر منصور

سن پسر عبیدالله ۵۶ سال بود که دوباره با زینب دختر محمدباقر ازدواج کرد. نگا: «سر السلسله العلویه» (حاشیه ص ۱۲۵).

۴- ازدواج ام کلثوم دختر موسی جون بن عبدالله المحض بن حسن بن علی بن ابی طالب با برادرزاده منصور عباسی

محقق کتاب «عمده الطالب» در حاشیه صفحه ۱۳۴ به نقل از کتاب (المجدی للنسابه) ابی الحسن العمری می گوید: «موسی بن عبدالله ملقب به «الجون» دوازده فرزند داشت که نه نفر آنها دختر

بودند از جمله ام‌کلثوم که با برادرزاده منصور عباسی ازدواج کرد.
از خواننده گرامی درخواست می‌شود ازدواج‌های بین عباسی‌ها
را نیز ملاحظه کند.

از خداوند متعال علیّ و هاب خواستارم رشد و صواب را به ما
الهام کند و این کار ما را مورد قبول درگاه خود قرار دهد.
او بهترین مولی و یاری‌دهنده است.

ملحق اول

علمای شیعه امامیه درباره نام مادر امامان با هم اختلاف شدیدی دارند. منظور از علمای شیعه در این رابطه فقهاء و علماء علم نسب است. اما من علت این امر عجیب را نمی‌دانم. جدول زیر حاوی موارد مهمی از این اختلافات است.^۱

نام امام‌ها	نام مادران آنها که در مراجع شیعه وارد شده است
علی زین‌العابدین بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب	شاه زنان دختر یزدگرد بن کسری، شهربانویه، سلافه، سلامه، غزاله، بره خولیه.
مراجع	أصول کافی ۵۳۹/۱ باب مولد علی بن الحسین، نفس‌المهموم ص ۴۷۸-۴۷۹، منتهی‌الآمال ۹/۲، سر السلسله العلویه ۳۱.
امام محمد باقر بن	فاطمه دختر حسن بن علی بن ابی‌طالب، مادر

۱. شیخ عباس قمی در توضیح نام‌های مادر علی زین‌العابدین می‌گوید: «شاه زنان دختر یزدگرد بن کسری که علی او را شهربانو نام نهاد، ولی اسم اصلی او سلافه یا سلامه بود، و نام مادر پسر حسین غزاله یا بره بود که از علی زین‌العابدین نگهداری می‌کرد لذا او را مادرش می‌خواند...». چه انسان عاقلی این توضیح و توجیه را که مادر داغ‌دیده را به خنده می‌اندازد و عروس را می‌گریاند، می‌پذیرد.

نام مادران آنها که در مراجع شیعه وارد شده است	نام امامها
<p>حسن خوانده می شود. کشف الغمه ۳۰۴/۲. فاطمه یا ام فروه دختر قاسم بن محمد بن اَبی بکر الصدیق و مادرش أسماء بنت عبدالرحمن بن اَبی بکر الصدیق. بدین دلیل جعفر صادق می گفت (صدیق دو بار مرا به دنیا آورد) یعنی از طرف مادر. سر السلسله العلویه ص ۳۴، منتهی الآمال ۱۶۰/۲، کشف الغمه ۳۱۹/۲-۳۴۱.</p>	<p>علی بن حسین مراجع جعفر صادق بن محمد بن علی بن حسین مراجع</p>
<p>أم ولد حمیده مغربیه یا حمیده بربریه خوانده می شد و یا گفته اند حمیده مصفاة از اشراف عجم، و منقول است که امام صادق گفته است حمیده پاک شده از ناخالصی ها مانند: شمش طلا. منتهی الآمال ۲۳۹/۲، کشف الغمه ۵/۳، عمده الطالب ص ۱۵۶. ام ولد که به او گفته می شد تکتم، خیزران مرسیه و یا گفته اند: شقراء نوبیه و نام او اروی، و نجمه و سکن و سمانه و ام البنین و خیزران</p>	<p>موسی کاظم بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین مراجع علی رضا بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی</p>

نام مادران آنها که در مراجع شیعه وارد شده است	نام امامها
<p>صقراست. سر السلسله العلویه ص ۳۸، کشف الغمه ۵۲/۳، منتهی الآمال ۳۳۴/۲. أم ولد نام او خیزران یا سکینه مرسیه، سبیکه، عباس قمی گفته است: «نوییه از اهل بیت ماریه قبطیه است».</p>	<p>بن حسین المراجع محمد جواد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین</p>
<p>سر السلسله العلویه ص ۳۸، کشف الغمه ۱۲۸/۳، منتهی الآمال ۴۱۹/۲. ام ولد که نامش سمانه مغربی و یا اسمهای دیگری که در کشف الغمه نقل شده اند.</p>	<p>مراجع علی النقی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق</p>
<p>کشف الغمه ۱۵۹/۳، سر السلسله العلویه ص ۳۹. أم ولد نوییه به او گفته میشد ریحانه، و گفته شده سوسن و گفته شده الماجده، و حدیث، و سلیک، والجده.</p>	<p>مراجع حسن عسکری بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق</p>
<p>منتهی الآمال ۵۹۱/۲، سر السلسله العلویه ص ۳۹، کشف الغمه ۱۸۸/۳.</p>	<p>مراجع</p>

نام مادران آنها که در مراجع شیعه وارد شده است	نام امامها
<p>گفته شده است: اسمش نرگس یا صیقل یا خمط و او ام ولد است. نباتی عاملی در (سر من رای بدار العسکری و نرجس الام بقول الاکثر) می گوید: برخی گفته اند اسمش حکیمه و برخی دیگر می گویند او کنیزی رومی از نسل یکی از حواریان حضرت مسیح به نام شمعون بن حمون بن صفا است، و اسم او ملیکه دختر یشوعا بن قیصر پادشاه روم است. روایات متعددی با سندهای معتبر از بشر بن سلیمان نخاس از فرزندان ابویوب، نزد ابن بابویه قمی و شیخ الطائفه طوسی وجود دارند. همانطور که عباس قمی در منتهی الامال (۵۵۵/۲) بیان کرده است.</p> <p>منتهی الامال ۵۵۹/۲، کشف الغمه ۲۲۴/۳، الإرشاد ص ۳۴۶، حق الیقین لشیر ص ۲۲۲، الصراط المستقیم لمستحقی التقدیم ۲۱۷/۲، عمده الطالب ص ۱۵۸.</p>	<p>مهدی منتظر بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین</p> <p>مراجع</p>

اگر به مطالب گذشته توجه کنید به نتایج زیر می‌رسید:

- ۱- در مورد نام مادر امامان اختلاف نظر وجود دارد و در اسم مشخصی اتفاق نظر وجود ندارد.
- ۲- تلاش‌های بی‌ثمر و بدون دلیلی برای تأویل و توجیه تعدد این اسمها صورت گرفته است.
- ۳- اشاراتی قابل ملاحظه وجود دارد که مادر امامان از نژاد عجم، رومی نصرانی و یا بربری عربی هستند. مثلاً مادر موسی کاظم حمیده مصفاه از اشراف عجم است، و مادر علی زین‌العابدین شاه زنان دختر یزدگرد پسر کسری پادشاه ایران، و مادر علی النقی سمانه مغربیه، و مادر حسن عسکری، ریحانه نوبیه، و مادر علی‌الرضا شقراء نوبیه است.
- و مادر محمدجواد نوبیه از اهل بیت ماریه قبطیه، و مادر مهدی منتظر نهایتاً نسب او به شمعون بن حمون بن الصفا یکی از حواریان عیسی مسیح علیه السلام و او دختر قیصر روم است.
- آیا این عجیب نیست که مادر امامان یا ام‌الولد یا نوبیه، قبطی، رومی و یا از اشراف زادگان عجم هستند.
- و تنها مادر عربی آنها فاطمه دختر حسن مادر محمدباقر، یا فاطمه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق (ام فروه) مادر جعفر صادق است. برآستی این جای تأمل است.

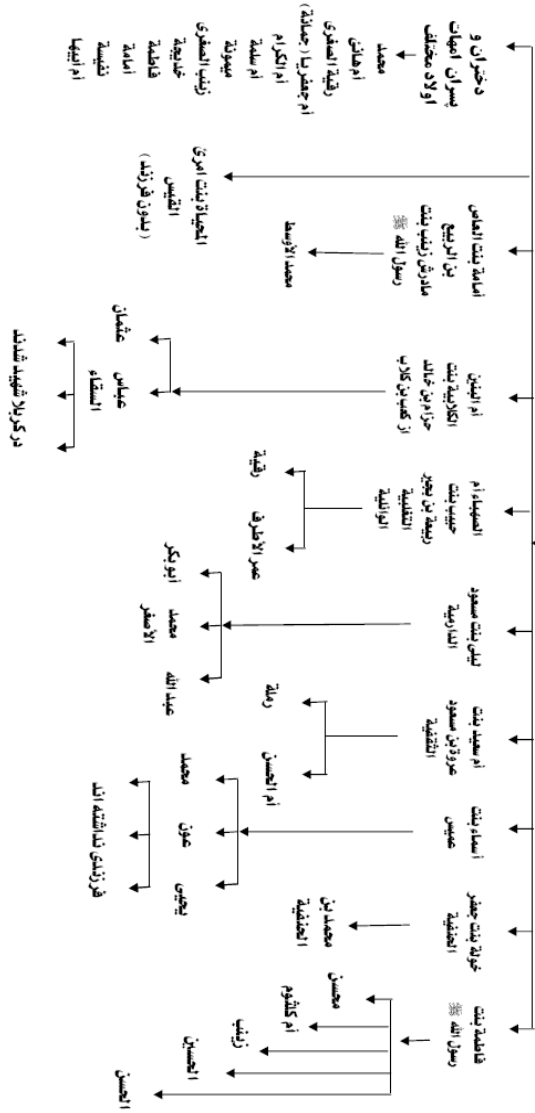
ملحق دوم

راهنمای اسم فرزندان (پسر و دختر) اهل بیت عليهم السلام

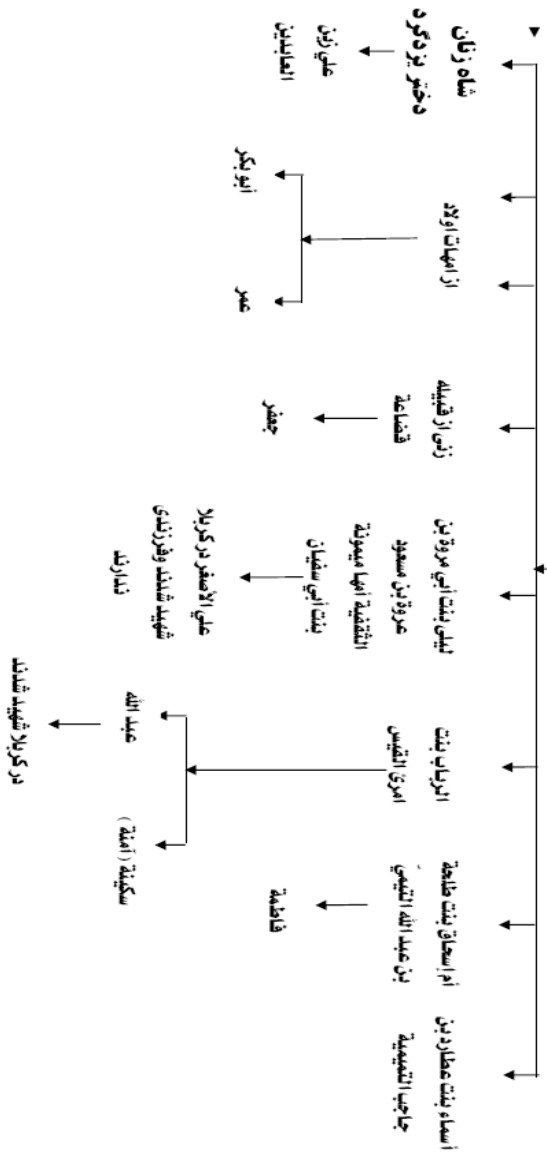
- ١- عمر الأطرف بن على بن أبى طالب.
- ٢- عمر بن محمد بن عمر الأطرف بن على بن أبى طالب.
- ٣- عمر بن حسين الشهيد بن على بن أبى طالب.
- ٤- عمر الأشرف بن على بن الحسين بن على بن أبى طالب.
- ٥- عمر بن على الأصغر بن عمر الأشرف بن على زين العابدين بن الحسين.
- ٦- عمر بن الحسن الأفطس بن على الأصغر بن على زين العابدين بن الحسين.
- ٧- عمر بن الحسين بن زيد بن على بن الحسين بن على بن أبى طالب.
- ٨- عمر بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق.
- ٩- عمر بن الحسن السبط بن على بن أبى طالب.
- ١٠- عمر بن جعفر بن محمد بن عمر الأطرف بن على بن أبى طالب.
- ١١- عمر بن محمد بن عمر بن على بن الحسين الشهيد.

- ١٢- عمر بن یحیی بن الحسین بن زید.
- ١٣- عمر بن الحسن بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.
- ١٤- أبو بكر بن علی بن ابی طالب.
- ١٥- أبو بكر بن الحسین الشہید بن علی بن ابی طالب.
- ١٦- أبو بكر بن الحسن السبط بن علی بن ابی طالب.
- ١٧- أبو بكر بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب.
- ١٨- أبو بكر أحد أسماء المهدی المنتظر.
- ١٩- عثمان بن علی بن ابی طالب.
- ٢٠- عثمان بن عقیل بن ابی طالب.
- ٢١- عائشه بنت موسی الكاظم بن جعفر الصادق.
- ٢٢- عائشه بنت علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق.
- ٢٣- عائشه بنت علی ابی الحسن بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی بن جعفر الصادق.
- ٢٤- معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب.
- ٢٥- طلحه بن الحسن بن علی بن ابی طالب.

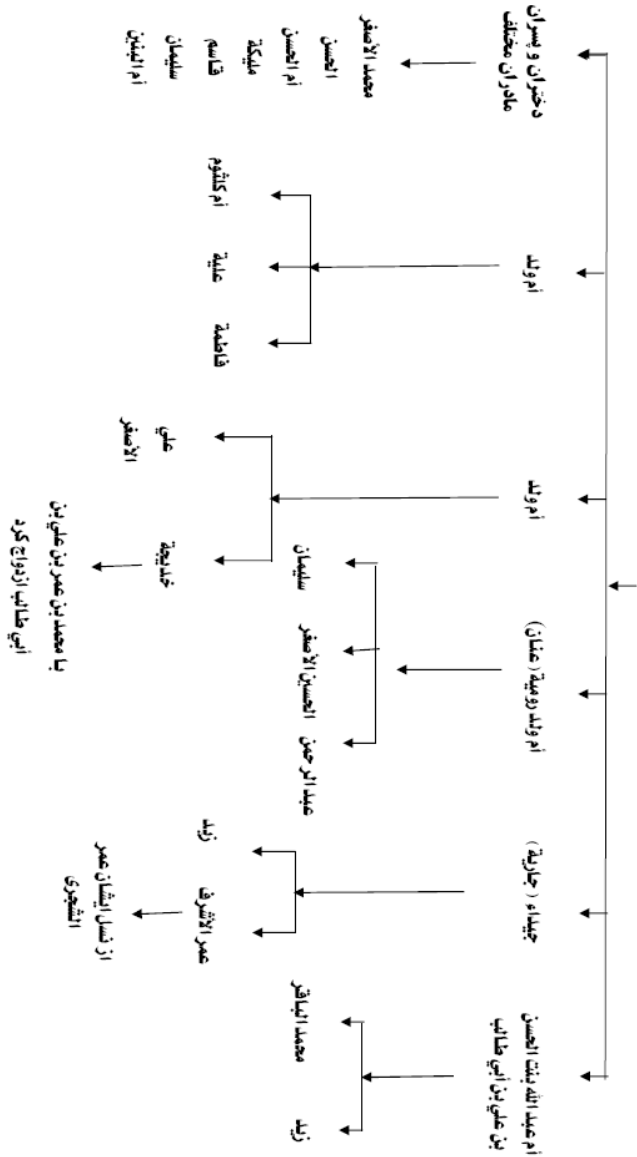
بيوست اشماره (٦) خویشاوندی علی بن ابی طالب و فرزندان علی بن ابی طالب
همسران و فرزندان علی بن ابی طالب

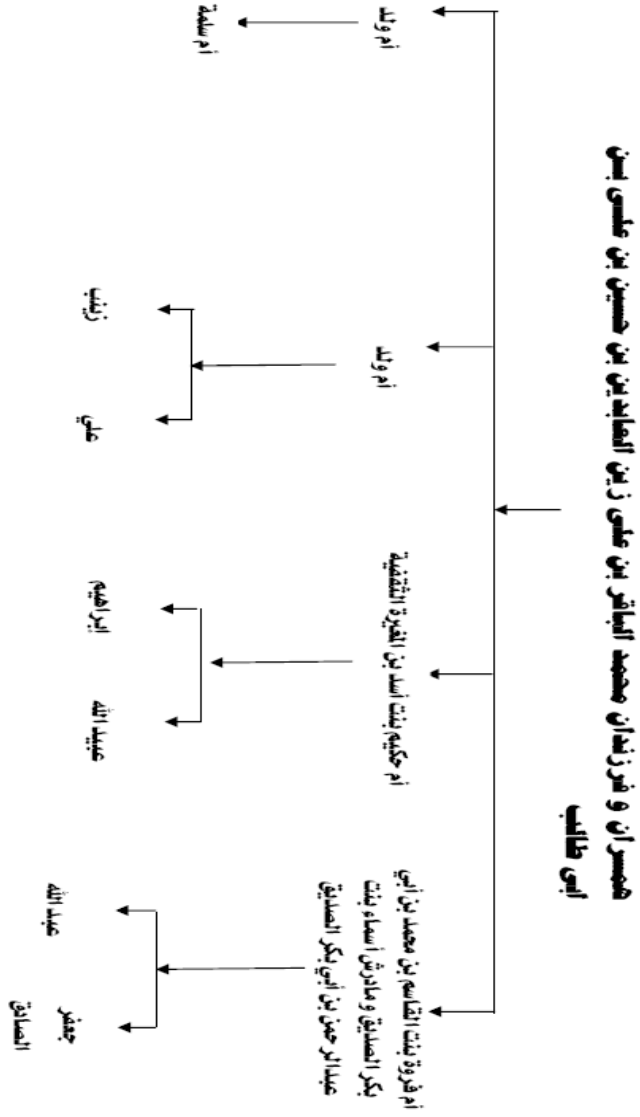


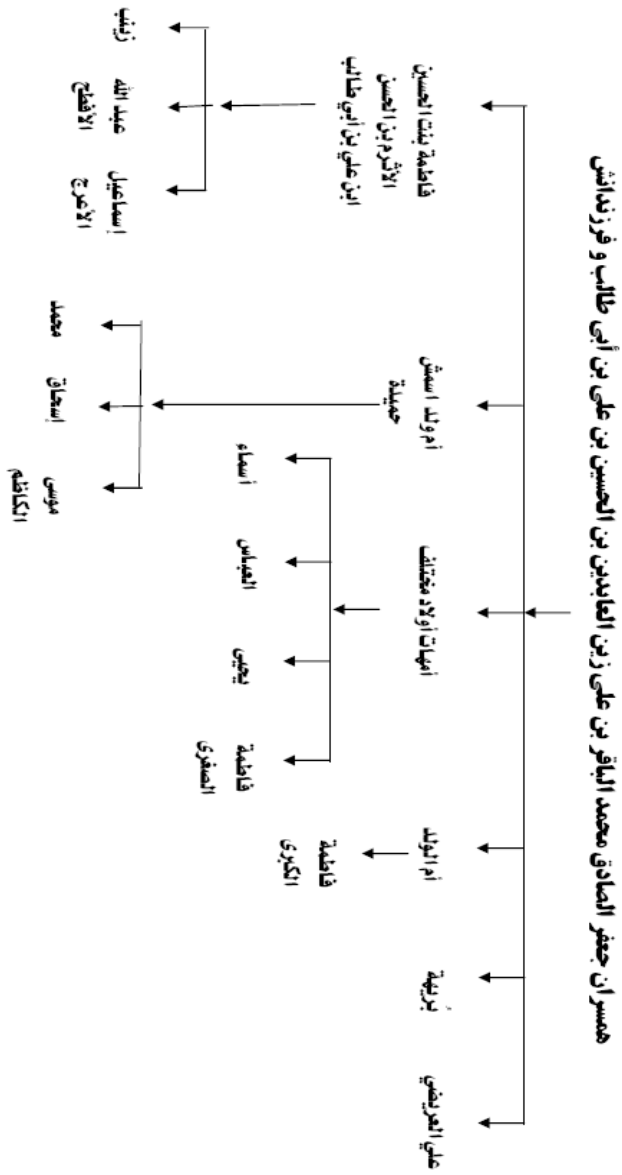
همسران و فرزندان حسین بن علی بن ابی طالب



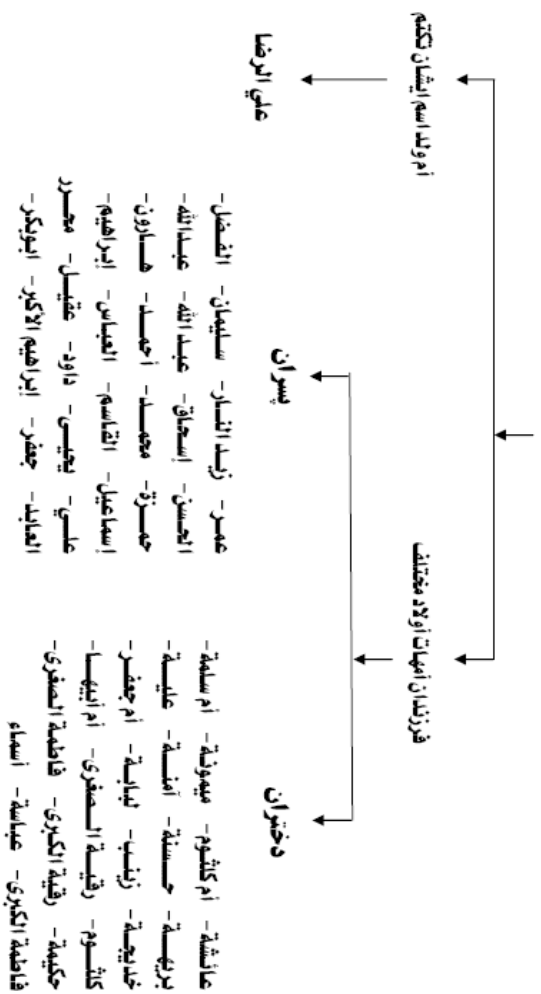
همسران و فرزندان علی بن ابی طالب



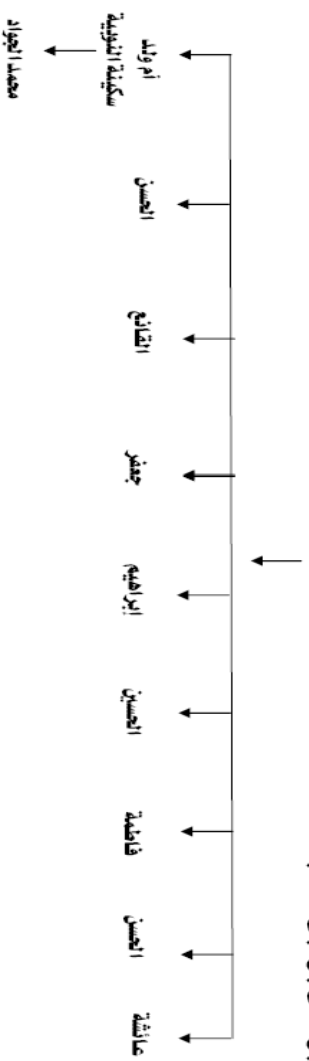




همسران موسی الكاظم بن جعفر الصادق محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن آسی
طالب و فرزندان



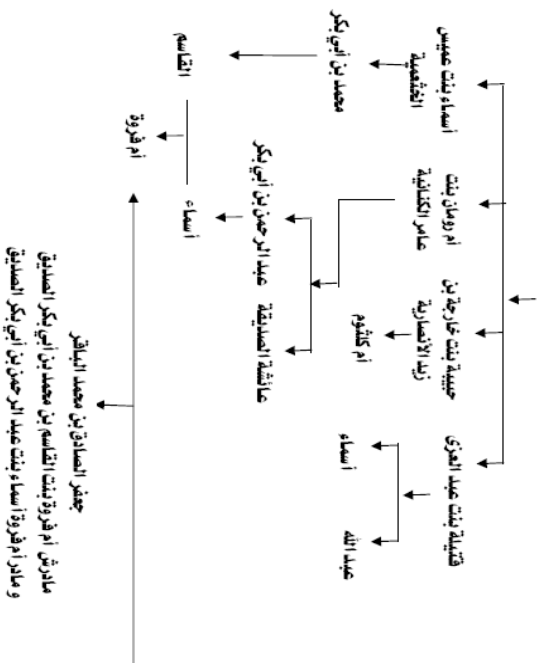
فرزندان علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین
بن علی بن ابی طالب



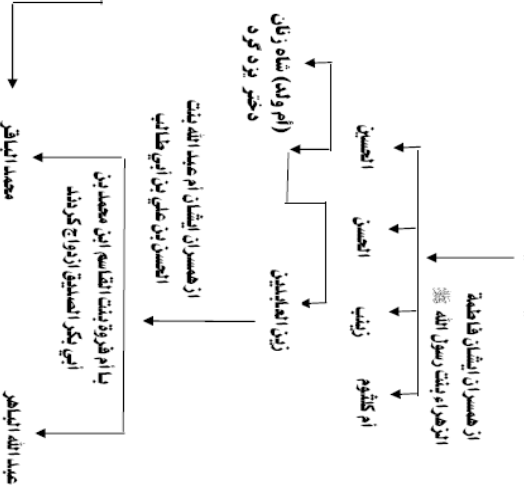
* در سر السلسله الطویبه ذکر شده است که امام رضا فرزندی جز محمد الجواد نداشته اند؛ ص: ۳۸، ولی در کشف الغمبه ذکر شده که پنج فرزند پسر و یک دختر داشته اند که اسمشان ((عایشه)) بوده است. ص: ۳/ ۵۸، حافظ عبدالعزیز بن الأخضر هم ذکر کرده است که ایشان پنج فرزند پسر و یک دختر داشته است به نام ((عایشه)) کشف الغمبه ۳/ ۵۹، همراه با اختلافاتی که در اسم فرزندان پسر و مادر محمد الجواد است که ما همه این اختلافات را جمع کرده ایم.

* امام جعفر صادق می گفتند: ابوبکر دو بار به دنیا آورده است. و به همین دلیل به ایشان گفته می شد: سستون شرف (اثر شاه، مفید ص ۲۷۰ و تراجم اعلام النساء ص ۲۷۸ و عمدة الطالب ابن عیبه ۲۲۵ و الأصبی لابن المططقی ص ۱۴۹).

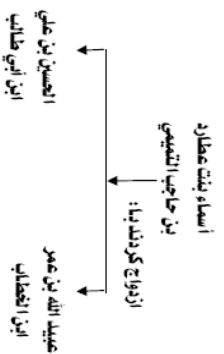
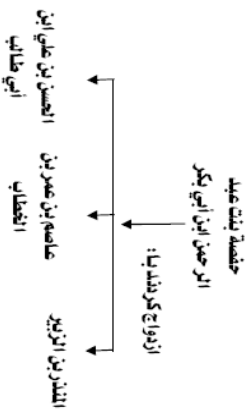
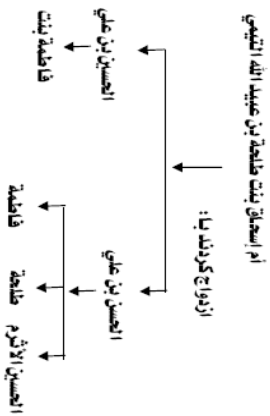
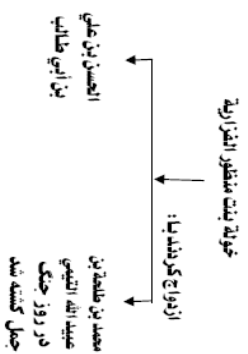
ابوبکر الصديق ﷺ



علی بن ابی طالب ﷺ



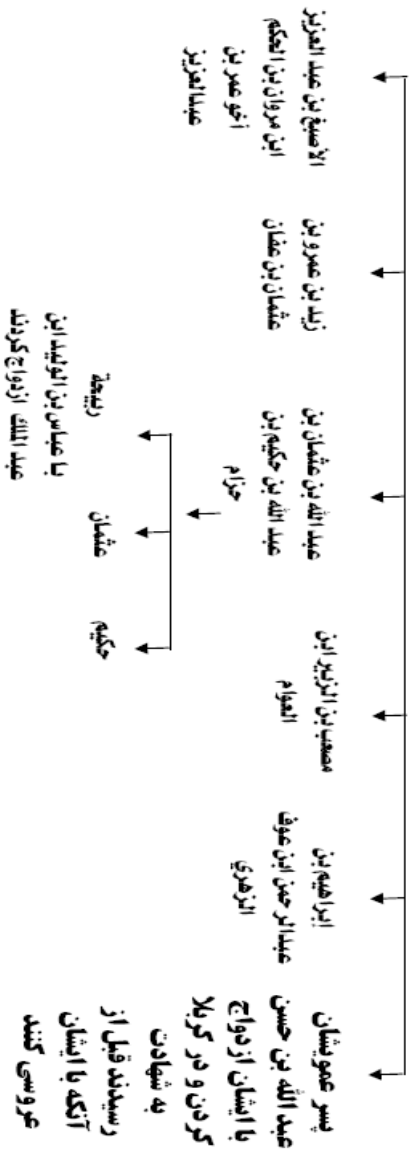
خویشاوندی بین خانواده حسن و حسین و فرزندان

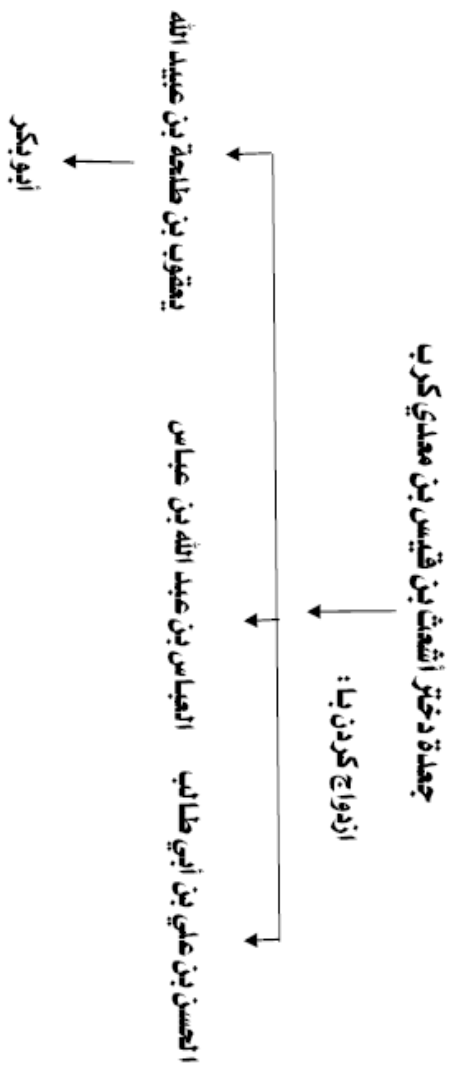


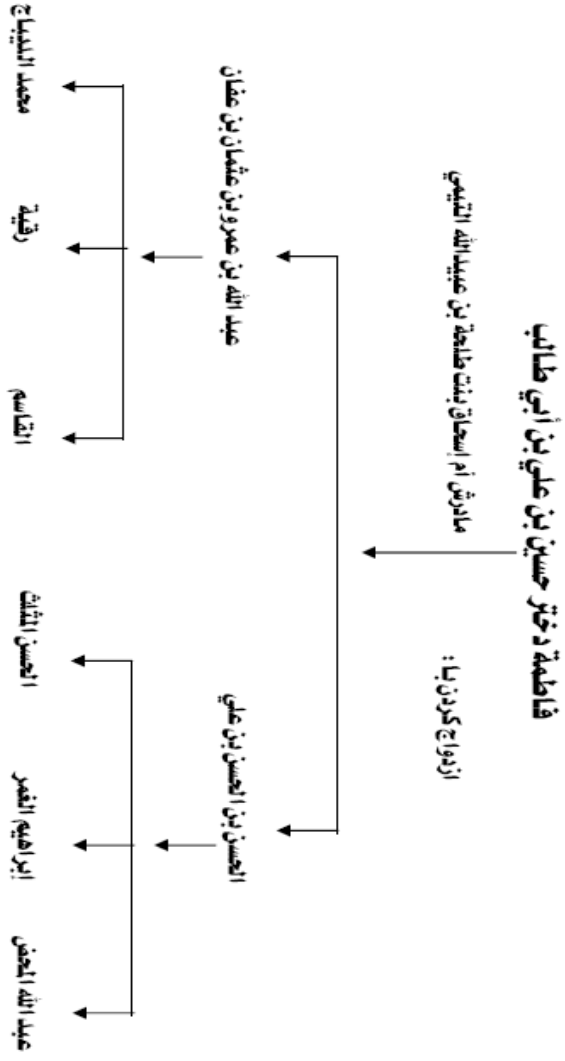
سكینه و دختر حسین بن علی بن ابی طالب

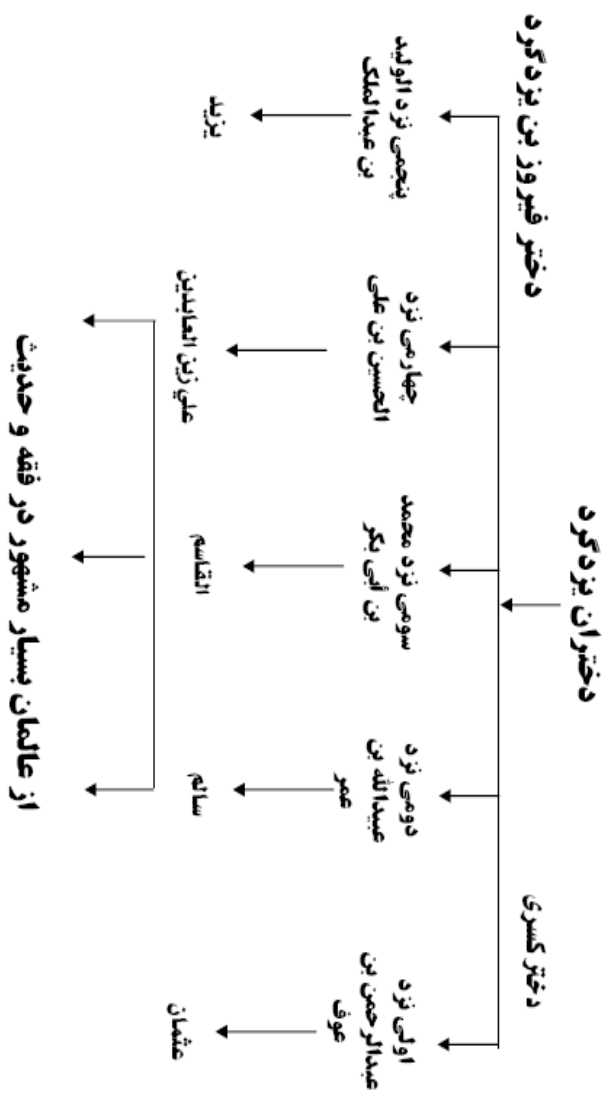
مادرش الرباب بنت اموی القیس

ازواج کردند با:



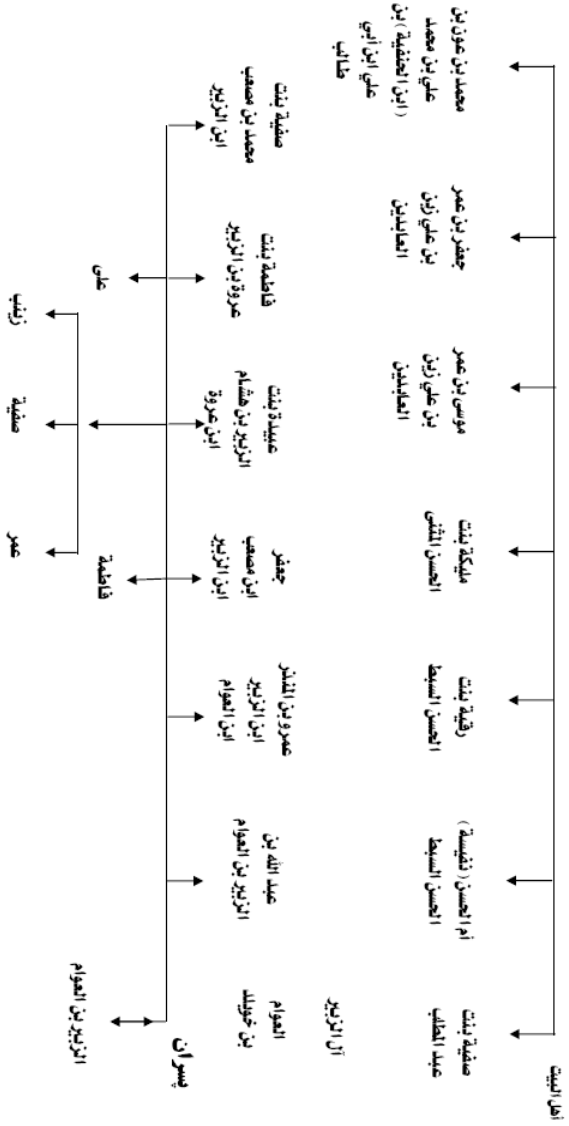




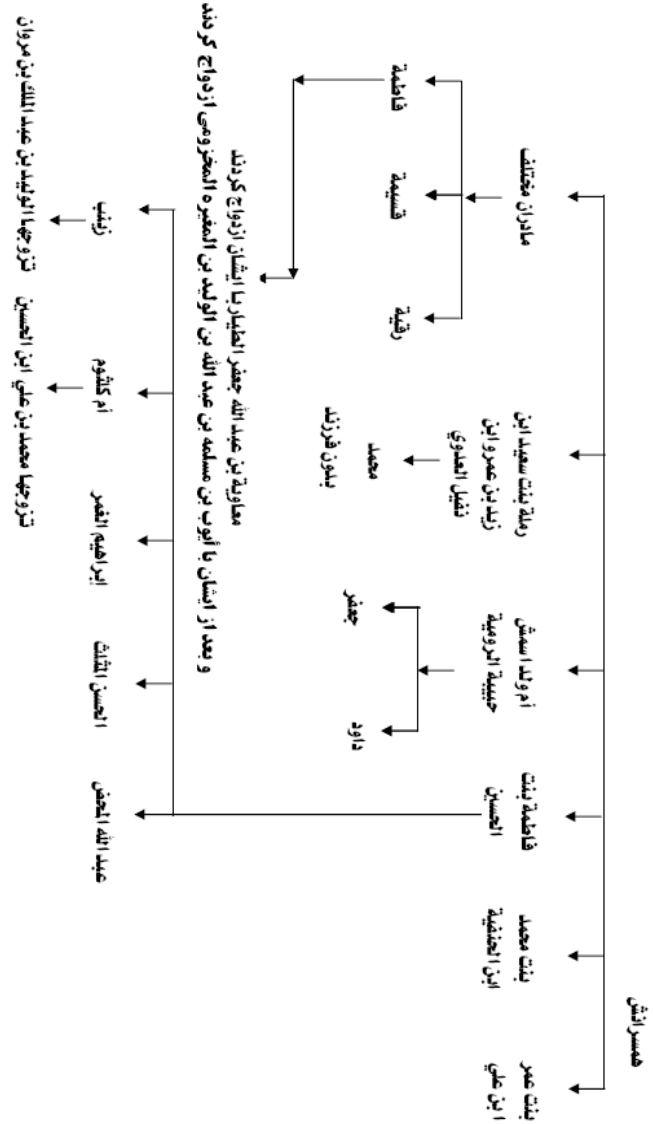


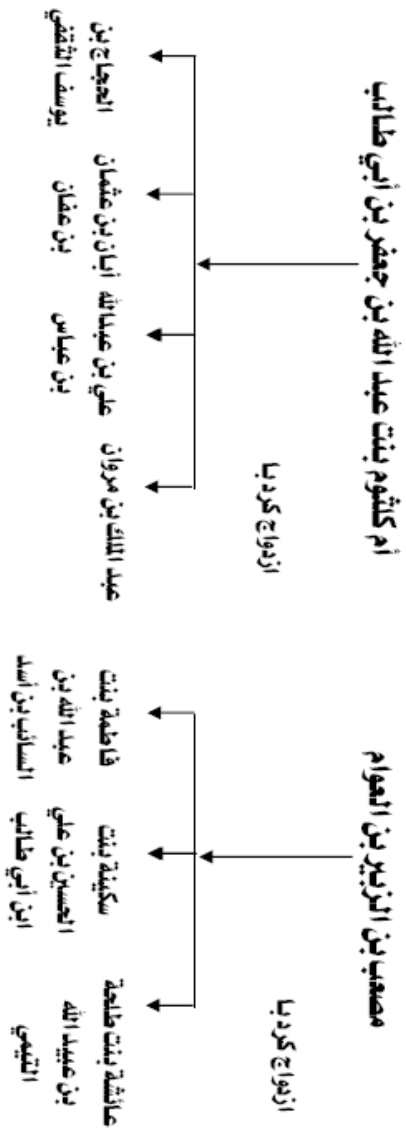
خوشاوندی اهل بیت با خانواده زبیر

الاسماء والمصاهرات بین آل البيت والصحابه کرام



حسن مثنى همسران و فرزندان

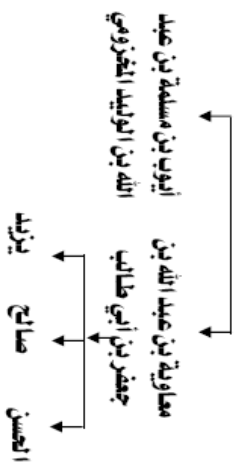




سر السلسلة العلوية ص ۷ ، عمدة الطالب ص ۴۷ ، منتهی الآمال ۱ / ۳۵۰ .

فاطمه بنت الحسن الثانی

ازدواج کردند با :



عبدة بنت علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب

ازدواج کردند با :

